



قدرت متحد توده ها

و

تداوم جنبش انقلابی خلق کرد

مبارزات انقلابی خلق زحمتکش کرد، که در طی هفت سال گذشته بی وقفه ادامه داشته است، هر روز ابعاد گسترده تری به خود می گیرد و در اشکالی نوین و رشد یافته تر متجلی می گردد. زحمتکشان کردستان در حالیکه در شهر و روستا و بر سر هر کوی و بزرگ توسط انجوهی از پایگاههای حفاظتی و تأسیسات نظامی مزدوران رژیم به محاصره در آمده اند و در حالیکه هر حرکت اعتراضی آنان با بهوش نیروهای ارتجاعی به وحشیانه غارتگری سرکوب می شود، اما آنها مصمم و استوار همچنان در جهت تحقق اهداف انقلابی خود یافشاری می کنند. توده های خلق کرد نه تنها با تداوم

در صفحات دیگر:



اخبار جنبش توده ای

در صفحه ۱۷

تلاشهای جدید رژیم برای ایجاد شوراها و اسلام می در سران

در صفحه ۲۶

بمناسبت بیست و هفتمین سالگرد انقلاب کور

در صفحه ۳۶

اطلاعیه سازمان جریکهای فدائی خلق ایران درباره:

دستگیری تعدادی از اعضاء،

فعالین و هواداران سازمان

در صفحه ۳

□ حزب دمکرات: سیاستهای دیروز

و مصوبات امروز

به هیچکدام از بندهای مهم این قطعنامه بطور مشخص نپرداخته است، لیکن تحلیل این قطعنامه با توجه به مواضع عملکرد حزب دمکرات کاملاً صریح است.

ما در این نوشته سعی می کنیم از این جنبه و با توجه به سیاستهای دیروز حزب دمکرات، به ارزیابی از روند آتی سیاستهای امروز این حزب و چشم اندازهای محتمل آن ها در زمینه های مختلف و در روش اساسی آن، بپردازیم.

یکی از مهم ترین صائلی که در این قطعنامه بر روی آن تأکید شده است، مواضع حزب دمکرات در قبال درگیریهای کنونی این حزب با کومه له در کردستان است، که طبقاً امروز گره اصلی بحران کنونی جنبش انقلابی خلق کرد را تشکیل می دهد، که حزب دمکرات به عنوان یک پایی ایمن درگیرها و عامل تداوم آنها در شرایط کنونی، و وخامت هر چه بیشتر اوضاع در طول یکسال

در صفحه ۴

قطعنامه پایانی کنفرانس حزب دمکرات کردستان ایران آخرین مواضع این حزب پیرامون مسائل مختلف را به اختصار بیان داشته است. مقدار ایمن قطعنامه از چند جنبه حائز اهمیت است، نخست از این نظر که قطعنامه بیانگر آن است که حزب دمکرات هیچ گونه تغییری در سیاستهای تاکتونی خود در تمامی زمینه های مهم نداده است، دوم از این نظر که این مواضع که در فاصله دو کنفرانس، به ویژه از اواسط سال گذشته تاکنون، همواره به عنوان سیاست عملی حزب دمکرات در عرصه جنبش اعمال شده اند، امروز بصورت صریحی های کنفرانس این حزب به جنبش عرضه شده اند. هر چند حزب دمکرات

اخبار

تحلیلات

پیشمرگان فدائی

در صفحه ۱۱

نگاهی به

مبارزات توده ای در کردستان

در صفحه ۱۲

(سه ماهه سوم سال ۶۴)

هه میو میله تیک مافی دیاری کردنی چاره نویسی خوی هه دیه

قدرت متحد توده ها
و

تداوم جنبش انقلابی خلق کرد
مبارزات خود، مزدوران رژیم در پیبرد اهداف سرکوبگرانه و ارتجاعیان به عقبی نشاندند بلکه با شناخت از ماهیت ضد انقلابی رژیم و درس آموزی از تجارب ارزشمندی که بطور روزمره بدان دست می یابند، کلیه سیاستهای عوام فریبانه مزدوران را نیز نقش بر آب می سازند.

رئیس جمهوری اسلامی
علیرغم آنکه با پورشهای سبانه مزدوران پاسدار، ارتجاعی، جان و بسجی خود، توانسته است مناطق آزاد شده را از دست پیغمبران قهرمان خلق کرد خارج سازد اما يك لحظه از تعرضات انقلابی پیغمبران خلق کرد در امان نبوده است. رژیم با درك این واقعیت که نیروی پیغمبرک تنها و تنها با انگار به حمایتهای مادی و معنوی توده ها و در پستر رشد و گسترش مبارزات زحمتکشان کردستان می تواند به رزم دلیرانه خود مداومت بخشد، کلیه سیاستهای ارتجاعی را برای گشت ایمن پیوند به کار می گیرد. سیاست به تب و خمباره بتن شهرها و روستاها، تبلیغ اجباری دستگیری و شکنجه زحمتکشان مبارزگیری اجباری، اخاذی و وفارت اموال توده ها و تخریب و تسخلیه روستاها، همه و همه در خدمت يك هدف ارتجاعی قرار دارد، که همانا در هم شکستن روحیه اعتراضی توده ها و جلوگیری

از حمایت وسیع آنها از پیغمبران قهرمان خود می باشد.

اما این سیاستهای ارتجاعی نه تنها کمترین خللی در اراده خلق قهرمان کرد ایجاد نکرده بلکه روز به روز منجر به تعمیق مبارزات توده ها و ایجاد وحدت و یکپارچگی بیشتری در صفوف آنها گشته است. نشانه های این وحدت و یکپارچگی در حرکات اعتراضی زحمتکشان مناطق پاره میوان دیواندیره، سنندج و سقز طی دیمه گذشته بیش از پیش عینیت یافت.

نمونه ای از این اعتراضات دسته جمعی، مقابله بختر و سیمی از اهالی زحمتکش روستاهای میوان علیه مزدوران جنایتکار رژیم در چهارم دیمه می باشد، که قدرت و شکوه اتحاد و یکپارچگی زحمتکشان این منطقه را به نمایش گذاشت.

اهالی زحمتکش روستای "دویلوره" در تاریخ چهارم دیمه به دنبال خمباره باران ایمن روستا توسط مزدوران رژیم دست به اعتراض می زنند. فردای آن روز اهالی زحمتکش روستای "دویلوره" متحد و یکپارچه بصوی روستای "چناره" که یکی از مراکز مهم نظامی رژیم در آن واقع است راهپیمایی کرده و خشم و اعتراض خود را نسبت به سیاستهای جنایتکارانه رژیم نشان می دهند. آنها روز ششم دیمه نیز به حرکت اعتراضی آمیز خود ادامه می دهند. خبر حرکت اعتراضی این زحمتکشان در تمام منطقه

می پیچد، و همبستگی و حمایت کلیه زحمتکشان این منطقه را بر می انگیزد. بسیاری از اهالی روستاهای "تائیله"، "گماره لنگ"، "کویله"، "شکه لان"، "گیلی کران" و همچنین عده ای از اهالی شهر میوان به پشتیبانی از حرکت اعتراضی اهالی زحمتکش روستای "دویلوره" علیه تب و خمباره باران روستاها برخاسته و خود را به روستای "چناره" می رسانند.

شیرکت دسته جمعی توده های زحمتکش منطقه میوان در این حرکت اعتراضی، بار دیگر عظمت و قدرت متحد توده ها و ضعف و زبونی رژیم را در برابر آن به نمایش گذاشت.

نمونه های پیضماری از این حرکات انقلابی ضمن بیان گسترش و تداوم مبارزات اعتراضی توده ها، در عین حال بیانگر واقعیت دیگری نیز می باشد، خصلت خود بخودی، پراکندگی و عدم سازمان یافتگی این حرکات نقطه ضعفی است که بدون شناخت و برطرف ساختن این نقطه ضعف نمی توان به پیروزیهای محتر و همه جانبه تری دست یافت.

تنها با سازماندهی این حرکات اعتراضی، هدایت آگاهانه و رهبری انقلابی مبارزات توده ای است که تمامی پتانسیل انقلابی زحمتکشان در راستای دست یابی به اهداف انقلابی خلق کرد، که همانا سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و کسب حق تعیین سرنوشت خویش است، به کار گرفته می شود.



از صفحه ۲۶

کمیته های محلی رژیم
چند نفر را بعنوان نماینده انتخاب کرده و به شهر می فرستادند. این افراد به تدریج به عنوان شورا شناخته شدند، و البته در میان مردم به شورای کوپنی و یا شورای قد و برنج موسوم شدند. مزدوران رژیم برای اعمال سرکوب و کنترل بیشتر بر روستائیان اخیراً از هر روستا خواسته اند تا ده الی دوازده نفر را بعنوان نماینده معرفی کنند تا خودشان یعنی خود مزدوران پنج تا هفت نفر از بین آنها به عنوان اعضا اصلی شورای

اسلامی در منطقه میوان، تحکیم و گسترش آنها و استفاده از این ارگان های خاص برای تثبیت موقعیت سرکوبگران و حاکمیت ارتجاع در منطقه نیز، در راستای همین اهداف ارتجاعی عمومی رژیم در کردستان بوده است.

مزدوران برای تشکیل شوراهای اسلامی در این منطقه، اوائل سال ۶۳ نیز تلاش های زیادی بکار بردند و در ابتدا از طریق کپن های مواد غذایی در پی چنین هدفی برآمدند. اهالی روستاها برای دریافت کوپن و سهمیه مواد غذایی اجباراً

اسلامی انتخاب کنند و بقیه بعنوان اعضا علی البدل باقی بمانند. روستائیان در مقابل این خواست مزدوران مقاومت نموده و دست به اعتراض زده اند و مخالفت خود را با اینگونه شوراها اعلام داشته اند اما مزدوران، اهالی را تهدید کرده اند چنانچه شوراها را اسلامی را تشکیل ندهند، از دریافت مواد غذایی محروم خواهند شد. در همین رابطه چه بسا افراد مورد اعتمادی که از جانب روستائیان انتخاب شده اند، مورد قبول مزدوران قرار نگرفته اند و یا کسب دیگری که به تمایلات و خواسته های مزدوران گردن نهاده



اطلاعیه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران دربارهٔ دستگیری تعدادی از اعضاء، فعالین و هواداران سازمان

کارگران و زحمتکشان سراسر ایران!

رویم ارتجاعی جمهوری اسلامی بار دیگر تعدادی از کارگران آگاه، مبارز و انقلابی وابسته به سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و تعدادی دیگر از فعالین و هواداران سازمان را در تهران به اتهام دفاع از ضلایح کارگران و زحمتکشان ایران بازداشت و در معرض وحشیانه ترین شکنجه های قرون وسطائی قرار داده است.

وزیر مزدور سازمان جاسوسی رژیم در تاریخ یازدهم دیماه مدتی پیر از این دستگیری ها طی يك صراحه مطبوعاتی ضمن اعلام خبر دستگیری ۶۰ تن از اعضا و هواداران سازمان به منظور سرکشی کردن بر جنایات رژیم و شکنجه های وحشیانه ای که نسبت به دستگیر شدگان اعمال می شود، اعلام نمود که یکی از دستگیر شدگان با قرض سیانور خودکشی کرده است. او بدین طریق تلاش نمود با توجه به اینکه رفقای ما به هنگام دستگیری از قرض سیانور استفاده می کنند، این حقیقت مسلم را که رژیم تاکنون سرکشی اعضا و هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران را زیر شدیدترین و وحشیانه ترین شکنجه ها به شهادت رسانده است، انکار کند. اما امروز دیگر چه کسی را می توان پیدا کرد که از ایما و جنایات و تبهکاری های این رژیم بی اطلاع باشد. رژیم جمهوری اسلامی رسواتر از آن است که بتواند با توسل به چنین حیل هائی بر جنایات نفکین خود سرکشی بگذارد و شکنجه های وحشیانه و کشتار بیرحمانه نیروهای انقلابی را انکار کند.

درباره یچ بودن این ادعای سران رژیم همین بس که گفته شود رژیم بخاطر پنهان داشتن جنایات خود تاکنون از تحویل اجساد انقلابیونی که اعلام کرده است طی درگیری های صلحانه و یا از طریق خوردن قرض سیانور به شهادت رسیده اند، به خانواده های آنها خودداری نموده است.

وزیر مزدور سازمان جاسوسی رژیم طی صراحه خود ضمن اینکه تلاش نمود بر شکنجه های وحشیانه ای که هم اکنون در مورد دستگیر شدگان اعمال می شود سرکشی بگذارد، در همان حال کوشید با اعلام تعداد همه کسانی که از مدت ها پیش به اتهام وابستگی به سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، دستگیر شده اند، بهره برداری تبلیغاتی بنماید و رژیم را در مبارزه علیه سازمان پیروز نشان دهد.

اما تجربه چند سال گذشته به رژیم آموخته است که علیرغم اینکه چندین هزار تن از اعضا و هواداران سازمان را به جوفه های اعدام سپرده و هزاران تن را هم اکنون در سياهچالهای قرون وسطائی خود به بند کشیده است، هیچگاه نتوانسته است ذره ای در مبارزه سازمان علیه رژیم حاکم خللی ایجاد کند و بر روحیه مبارزاتی کارگران و زحمتکشان ایران تاثیر بگذارد.

اگر رژیم قادر می بود کارگران و زحمتکشان ایران را نابود کند، در آن صورت می توانست جلو مبارزه و فعالیت سازمان را نیز سد کند. اما این واقعیت کاملاً روشن است که چنین چیزی امکان پذیر نیست، آنکه ما به نیروی لایزال طبقه کارگر و همه مدافعین مصالحیم است که مداوماً به صفوف سازمان چریکهای فدائی خلق ایران می پیوندند و جای رفتائی را که به دست دشمنان جمهوری اسلامی به شهادت می رسند و یا در زندانهای قرون وسطائی به بند کشیده می شوند، پسر می کنند.

این است از دوام و بقا و تداوم فعالیت و مبارزه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران علیرغم تمام تبلیغات و تلاشهای سرکشیگران رژیم جمهوری اسلامی.

بنابراین رژیم پیبوده می کشد خود را در مبارزه پیروز نشان دهد. پیروزی از آن کارگران و زحمتکشان ایران است و شکست سرنوشت محتمل رژیم جمهوری اسلامی و کلیه مترجمین.

کارگران و زحمتکشان سراسر ایران!

صدای اعتراض خود را علیه بیدادگرهای رژیم جمهوری اسلامی، شکنجه و کشتار انقلابیون بلندتر کنید!

مبارزه خود را برای برانداختن این رژیم تبهکار، ارتجاعی و فاسد تشدید کنید و اجازه ندهید رژیم باز هم به جنایات خود ادامه دهد.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق
 زنده باد صیالیسم

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
 سیصد و همدیماه یکهزار و سیصد و شصت و چهار

از صفحه ۱

حزب دمکرات: . . .

گذشته مطمح بوده است در طول یک سال گذشته حزب دمکرات نه تنها در عرصه برخورد به امر درگیرها، با امتناع از پذیرش آتش بس فیمابین پیغمبران دودنیو از طریق اعلام یک سری شروط و شروط ضد دمکراتیک طفره رفته است، بلکه با گسترش حوزه عملکرد این سیاست ها، به محدوده فعالیت دیگر نیروهای سیاسی و اقدام در جهت افسال این سیاستها، علاوه بر وضعیت ناخوش از درگیرها در کردستان را نیز تشدید نموده است، و در هر چه بحرانی تر کردن اوضاع کنونی جنبش انقلابی خلق کرد، نقش بازی ایفا نموده است. کنگره حزب دمکرات نیز بر سر روی آخرین مواضع حزب دمکرات و در زمینه درگیرها، یعنی موضوع مهر ماه حزب دمکرات، تاکید نموده است.

تطبیق کنگره هفتم حزب دمکرات در مورد درگیرهای حزب و کومه له اعلام داشته است که:

"کنگره سیاستهای آشوبگرانه رهبران سر درگیر کومه له را دلیل اساسی جنگ میان کومه له و حزب می داند و مواضع رهبری حزب در مقابل کومه له را کاملاً تأیید می نماید. و

از رهبری برگزیده کنگره هفتم نیز می خواهد برای تحقق اصولی که به منظور دستیابی به یک صلح پایدار میان کومه له و حزب پیشنهاد شده است تلاش نماید و تا زمانیکه

کومه له واقفیت های کردستان را نپذیرفته است، به شدت با آشوبگرهای این سازمان مقابله نماید.

(تاکید ها از طست)

این ماده از تطبیق در حقیقت چکیده ای از نقطه نظرات حزب دمکرات در باره درگیرهای حاضر و آراه راه حل برای آن را، در بر دارد، و می توان آن را با توجه به سوابق امر چنین توضیح داد که تنها علت جنگ میان کومه له و حزب دمکرات، "سیاستهای آشوبگرانه"

گرانیه رهبران کومه له است همان چیزی که بعد از درگیری در م اوپاطات رهبران حزب دمکرات بر آن تاکید داشته اند، و بر این اساس نیز سه شرط اولیه خود را تنظیم کرده اند. اما در اینجا عین سه شرط اولیه حزب دمکرات را می آوریم که حزب دمکرات قبول آتش بس را شرط به پذیرش این سه شرط از سوی کومه له اعلام می داند:

"اولاً کومه له و صما" اسلام نماید که حزب دمکرات را به عنوان نیروی سیاسی اصل و انقلابی می شناسد.

ثانیاً در مقابل همه سازمانهای شرقی موجود در کردستان تمسک شود که قاجار ششم بهمن را تکرار نخواهد نمود.

ثالثاً این واقفیت را نپذیرد که کومه له در کردستان نماینده اقلیتی قاجار است و اگر واقعا طرفداری دمکراسی است باید از اراده اکثریت تبعیت نماید.

(کردستان شماره ۱۰۳ صفحه ۵۰ تا ۵۱)

مفهوم این سه شرط در واقع چنین بود که: اولاً کومه له تحلیل خود را از حزب دمکرات پس گرفته، اعلام نماید که حزب دمکرات یک نیروی اصل و انقلابی است و لذا کومه له اقرار کند که در کمر از ماهیت طبقاتی حزب دمکرات غلط نموده و سیاستهای آنرا نیز به غلط ارزیابی نموده است، این امر جدا از این که کومه له چه اعتقادی دارد، عملاً یعنی هر گونه آزادی بیان، عقیده و آراء است.

ثانیاً پذیرش این مسئله که مصدر اصلی درگیرها خود کومه له است، و کومه له با این "تمسک شدن برای عدم تکرار چنین کارهایی در مقابل همه سازمانهای شرقی و صما" به پذیرش که حزب دمکرات در این زمینه و در شمول و در شمول مجدداً درگیرها صراحتاً هرگونه نصیری بوده، نه تنها مقرون بوده، صورت ظلم هم واقع شده است.

ثالثاً اقلیت بودن خود را بپذیرد و تابع اکثریت باشد، یعنی تبعیت از حزب دمکرات را بعنوان واقفیت قبول کرده، انعام نماید که او خود

۳ قلیتی ناچیز است که هیچ راهی به جز تابعیت از اکثریت (یعنی حزب دمکرات) ندارد.

حزب دمکرات با طرح این سه شرط، از یک سو تلاشی نموده از هر گونه ریشه یابی درگیرها و بازشناسی علل آنها طفره رفته، با قیافه حق به جانبی در صحنه ظاهر شده، و از موضع قدرت از کومه له بخواهد که نیز آنچه را که حزب دمکرات دیده می کند، امضا نماید، نه تنها حزب دمکرات را ۳ انقلابی اصل بدانند بلکه از این انقلابی "تبعیت" نیز بنمایند. در غیر این صورت هیچ گونه مذاکره ای در کار نخواهد بود. این بود مفهوم دمکراسی ای که حزب دمکرات در اولین ماههای شروع مجدد درگیرها بر آن تاکید داشت و هنوز هم بر آن تاکید دارد، هر چند در تعدیل یافته ترین شکل آن.

ولی واقفیت امر چه بود و چرا قاجار ششم بهمن ماه موقع بیوست، و نقطه عطف اصلی کجا بود و سهم حزب دمکرات در شعله هر شدن درگیرها و ادامه آنها چه بود؟ آیا حزب دمکرات با ابتکار این واقفیت ها قادر و یا بهتر است بگوئیم حاضر است به درگیرها خاتمه دهد، اصولاً صورت نظر کنگره حزب دمکرات که "تحقیق آنها بعنوان تنها راه رسیدن به یک صلح پایدار میان دو نیرو قطار شیره است، اصولاً قابل تحقیق است؟ قطعاً هر کسی بر سیر تاکتونی درگیرها و زمینه های فکری آنها، نظری افکنده باشد، بخوبی می داند که انتخاب چنین سیاستی از سوی حزب دمکرات، چیزی جز تصمیم به ادامه درگیرهای کنونی نبوده و نیست. شرایط سه گانه حزب دمکرات نیز در همان روزهای اعلام آنها از سوی این حزب به تنهایی از نقطه نظر اصولی و بدلیل کاملاً ضد دمکراتیک بودن آنها، بلکه از نظر واقفیت علل و عوامل حاکم بر درگیرها نیز، نمی توانست مورد پذیرش واقع شود. چرا که نقطه عطف واقعی در درگیرهای حزب دمکرات و کومه له، نه ششم بهمن و اقدام آشوبگری کومه له که خود تابعی از برخورد های حزب دمکرات بوده، بلکه در جای دیگری نهفته بود و حزب دمکرات با تاکید بر این واقعه، قبل از همه قصد آن داشت و دارد که بر سر حوادث تا قبل آن برده سانس افکنده، نقش تعیین کننده خود در

ایجاد این درگیریها را پهنیده نگه دارد.

در واقع امر حزب دمکرات، با طرح واقعه ششم بهمن ماه بعنوان يك نقطه عطف، در صدر لایوهای نمودن نقش خود در امر درگیریها بود، که امکان این کار را پیش از همه مطالبه آوارشیستی کوه که با حزب دمکرات فراهم نموده بود. وگرنه بر هیچ کس پوشیده نیست که حزب دمکرات خیلی پیشتر از آن و در یلغوم تابستان کشته مرکزی خود، کوصله را به درگیری صراصری تهدید کرده بود (کردستان ۹۹) و در برخورد به صائل مربوط به درگیری ۲۵ آبانماه اورامان نیز با اجتناب از هر گونه برخورد مستولانه، به گنگان واقمیت های دهشتناک این درگیری پرداخته، تلاش می نمود و هنوز هم منطامد عطا جانیات انجام شده در این درگیریها را توجیه نمیداد، ویا در بهترین حالت سکوت بکند آر. این آن واقمیتی است که حزب دمکرات تاکنون از پذیرفتن آن استغنا ورزیده است، از اقرار به نقش تشکیلات اورامان خود در جنایات انجام شده طفره رفته است و امروز در پی پوشش سیاستهای آشوبگرانه زهران بر درگم کوه که و اعلام این سیاستها بعنوان "دلیل اساسی جنگ میان کوصله و حزب از پذیرش آن طفره میروند. طبیعی است که از چنین نقطه عنینی نمیتوان هیچگاه به "يك صلح پایدار دست یافت.

حزب دمکرات اگر چه امروز از طرح مسئله نقطه عطف ششم بهمن دست برداشته است، ولی با تاکید يك جانبه او بر سیاستهای زهران کوه که بعنوان "دلیل اساسی جنگ کنونی میان دونه و در واقع امر هنوز هم در صدر آنراست که نشر خود در ایجاد درگیریها و مهم تر از همه در ادامه تاکنونی آنها را پوشیده نگه داشته، از پذیرش واقمیت در این زمینه، سوزاز زنده درین حال بر اصلی ترین شرط خود که همانا دست بستن کوه که از مواضع خود در مورد حزب دمکرات و انقلابی (البته بدون اصل) دانستن حزب دمکرات است، تاکید نماید. این موضع ضد دمکراتیک و این خواست "ناچیز" حزب دمکرات که گویا به زور اسلحه و تحمیل هر چه بیشتر درگیریهای حاضر به جنبش انقلابی خلق کرد، قرار

حزب دمکرات: ...

است "تحقیق" پذیرد، در حقیقت منطبق بر همان نقطه منیمت حزب دمکرات در برخورد به درگیریهای کنونی، و گنگان نقش و جایگاه خود در این درگیریها و ادامه آنهاست. هر چند امروز بعد از يك سال و چند ماه، حزب دمکرات از یکی از شروط اولیه خود یعنی تابعیت کوه که از اکثریت یعنی حزب دمکرات و گردن نهادن به رهبری آن، دست شسته باشد، صلا این آخرین موضعگیری حزب دمکرات در قبال درگیریها، آشکار می سازد که او هنوز هم، صم به ادامه درگیریهاست. و از هرگونه صلح برخورد اصولی برای حل آنها طفره می رود. لازمه پایان یافتن این درگیریها و صیاسی به يك صلح پایدار "قطعا قبل از همه پذیرش بدون قید و شرط آتشبس فوری فیما بین پیشمرگان دو نیرو، ازعان به واقمیت نقش هر نیرو، و آغاز مذاکره برای حل صائل فیما بین در چارچوب اصول دمکراتیک ناظر بر جنبش کنونی است. واقمیت این است که در شرایط کنونی جنبش، تنها راه پیشبرد اختلافات فیما بین نیروهای سیاسی، برخورد سیاسی بین آنهاست، نه توسل به اسلحه و جنگ و گشتار روز افزین فرزندان خلق کرد، که در هر جبهه ای، امروز برای کسب حق تعیین سرنوشت خلق خود و برای سرنوشتی رژیم جمهوری اسلامی، صلاح بر دست گرفته اند. امری که کنگره هقم حزب دمکرات از پرداختن به آن طفره رفته است، و بر سیاست های معمول حزب دمکرات و در نتیجه تداوم درگیریهای کنونی، مهر تأیید زده است.

صالحه دیگری که در کنگره هقم حزب دمکرات به آن پرداخته شده است، سیاست های حزب دمکرات در قبال دیگر نیروهای سیاسی است که مورد تأیید کنگره قرار گرفته است. در قطعنامه پایانی کنگره در مورد این سیاستها گفته می شود: کنگره موضعگیری مستولانه کشته مرکزی حزب در مقابل سازمانهای سیاسی ایران را

کاملاً درست می داند.

(قطعنامه کنگره ... تاکیدات)

صالحه هر کسی سیاستهای حزب دمکرات آشنائی داشته باشد، از خود سوال خواهد کرد کدام موضعگیری مستولانه را، کنگره این حزب کاملاً درست می داند.

اچ این موضعگیری مستولانه حزب دمکرات در مقابل نیروهای سیاسی، در همان ماههای نخست درگیری صراصری حزب دمکرات و کوه که، خود را آشکار ساخت. ما برای روشن ساختن رمز مستولانه بودن این سیاستها، بناگذاشته باید ضروری بر این سیاستها بقیتم تا ببینیم حزب دمکرات چه چیزی را کاملاً درست می داند.

حزب دمکرات بعد از شروع صدور درگیریها، نخست طوسی اطلاعاتی منطقه بانه را بعنوان منطقه نظامی اعلام کرد و از گنگان نیروهای سیاسی خواستار آن شد که برای ورود به این منطقه، قبل از حزب دمکرات اجازه بگیرند. البته تحت پوشش اطلاع دادن به دفتر سیاسی، و اما حزب دمکرات در مقابل محکوم بودن برخورد خود با صاله آزادی فعالیت سیاسی نظامی در کردستان، از مسوی نیروهای انقلابی، در این حد توقف نمود و این خواست اولیه خود را به صاله موضعگیری در قبال سیاستهای خود پیوند زد و با نیروهای که مخالف سیاستهای جنگ افروزانه حزب دمکرات در مقابل آتش بر فوری و بدون قید و شرط بودند، آغاز خصومت نمود. و طوسی نامه ای به سازمانهای سیاسی از آنها خواست که برای فعالیت نه تنها در بانه بلکه در سراسر کردستان با دفتر سیاسی حزب دمکرات وارد مذاکره شوند. حزب دمکرات بدنبال این نامه، طوسی يك گفتار را بدو به تفسیر آن پرداخت و در این گفتار نیروهای سیاسی را به دست تقسیم کرد. دسته اول شامل کوصله می شد که سیاست حزب دمکرات در قبال آن روشن بود. دسته دوم را نیروهای تشکیل می دادند که رهبری ادعائی حزب دمکرات بر جنبش را قبول داشته، به سیاستهای این حزب تمکین می نمایند و "دست و همکار" حزب دمکرات ظمداد می شدند. اما دسته سوم را به نظر حزب دمکرات آن نیروهای تشکیل

حزب دمکرات: ...

می‌دانند که بظاهر مانند کوه له خود را
دشمن حزب دمکرات مصرفی
نمی‌کنند لیکن خود را دست و
 همکار حزب نیز نمی‌دانند و
 می‌گویند "ما به اجازه حزب
 دمکرات یا هیچ کس دیگر به
 فعالیت دست نزده ایم" و از گرفتن
 اجازه نامه از دفتر سیاسی حزب
 برای فعالیت در کردستان سر
 باز می‌زنند و رهبری حزب
 دمکرات را به رسمیت نمی‌شناسند.

مسئولین حزب دمکرات در مناطق
 مختلف در برخورد با این نیروها
 طبق رهنمود رهبری خود
 در همان حال که به هیچ
 وجه از فعالیت آنها غیر از
 مواردی که آشکارا و با دلیل
 روشن به زیان جنبش تشخیص
 داده شود، جلوگیری نمی‌نمایند،
 هیچ ککسی هم به آنها نمی‌کنند.

مفهوم این بخش از گفتار حزب
 دمکرات این بود که هر دسته از
 پیروان حزب دمکرات "بنابه
 تشخیص خود می‌تواند از فعالیت
 اینگونه نیروها به بهانه فعالیت
 "به زیان جنبش" (یعنی حزب
 دمکرات) جلوگیری نماید، خلغ
 صلاح کند، مورد تهدید قرار
 دهد و گنگدن بزند و دهها
 نوع از این برخوردها، که در عمل
 نیز حزب دمکرات در مورد نیروهای
 انقلابی به آنها ضلوع عداوت
 اما حزب دمکرات در این بخش از
 "ممنوعی مسئولانه" خود
 به همین حد پهنیده اکتفا نکرده و
 راه اعمال این "تشخیص" را نیز
 پیشای مسئولین خود گذاشت و
 اعلام داشت که:

"این گروه از سازمانهای
 این واقعیت را بپذیرند که
 کردستان میدان بی‌صاحبی
 نیست ... هیچ کس و

هیچ سازمانی نمی‌تواند و این
 اجازه را ندارد که بر خلاف میل
 و اجازه مردم کردستان در آن
 مانور بدهد و چون حزب

دمکرات بزرگترین و چشمگیرترین

نماینده مردم کردستان و جنبش
 خلق کرد است ... این
 گروهها اگر به نظراین حزب هیچ
 ارزشی قائل نیستند بهتر است

نقطه دیگری را برای ادامه مبارزه

و فعالیتشان انتخاب کنند. این

عین دمکراسی است و گرنه

مسئولین حزب دمکرات حق

دارند نسبت به آنها مشکوک شده

و مانند پادار و عامل رژیم

به آنها بنگرند و امکان هرگونه

عمل زیان آور احتمالی را ...

از آنها صلب نمایند."

(همه نقل قول ها از گفتار ادوینی
 حزب دمکرات، تاکید ها از ما)

این بود ضمن آن موضع

گیری های "مسئولانه" ای که

کنگره حزب دمکرات آنها را

"کاملاً درست" ارزیابی کرده است،

و بر عملکرد حزب دمکرات در

مقابل نیروهای انقلابی همچون

تهدید و غرور و خلع سلاح

آنها، صحنه گذاشته است. درحقیقت

این ارزیابی "کاملاً درست"

امروز حزب دمکرات مستطابق بر

همان "عین دمکراسی" رژیم

است که طبق آن با نیروهای انقلابی

در کردستان می‌باید "عین پادار

و عامل رژیم" برخورد شود.

ادامه همین بند قطعنامه

کنگره هضم حزب دمکرات، علاوه بر

تأیید سیاست های حزب دمکرات

در برخورد به نیروهای سیاسی،

شامل رهنمود و تکلیف مشخصی

به رهبری جدید نیز هست حتی

بر این که:

کنگره ... در همان حال

رهبری جدید حزب راموگلف

می‌نماید که به منظور تحکیم

هرچه بیشتر روابط دوستانه و

گسترش همکاری با نیروهای

میهن پرست به سامی خود

ادامه دهد.

(تاکید ها از ما)

مسئله برای هرکس این
 سوال پیش می‌آید که این نیروهای
 میهن پرست چه کسانی
 می‌توانند باشند. درحالی که
 حزب دمکرات در طول یک سال
 گذشته بطور مشخص، با اکثریت

نیروهای انقلابی، مثل "پادار"
 و عامل رژیم برخورد نمود
 است. این نیروها شامل چه
 کسانی می‌توانند باشند که تنها
 وجه مشخصه آنها "میهن پرست
 بودن است؟ رهبری حزب دمکرات
 کدام "صافی" و در "تحکیم
 هرچه بیشتر روابط دوستانه
 و گسترش همکاری" با کدام
 نیروها را "موگلف" است
 ادامه دهد؟

اگر در مورد "صافی" حزب
 دمکرات و امثالهم در "گسترش
 همکاری" با نیروهای "میهن
 پرست" ی از قبیل نژاد و مدنی،
 قبلاً و در گرامر دعواهای درونی
 شورای ملی مقاومت و جدائی
 حزب دمکرات از مجاهدین اسم
 برده شده بود، که گویا حزب دمکرات
 و مجاهدین بر سر چگونگی ائتلاف
 یا اینگونه "نیروهای میهن پرست"
 اختلافاتی داشته اند (ما در اینجا
 به علت دلایل اختلاف حزب
 دمکرات و مجاهدین "فعال" کاری
 نداریم) ولی آخرین صحنه
 دیسگر حزب دمکرات با مجله
 "الیوم السابع" در این زمینه
 و در مصرفی این گونه نیروهای
 میهن پرست تا حد زیادی گویاست.

او نخست مطرح می‌سازد که:
 هنگام آن رسیده است که
 اینرسیون ایران ضد کرد و
 در یک چارچوب وسیع تر و
 منطقه‌ای تر از سابق گرد آید ...

(کردستان ۱۰۹ صفحه ۱۲
 تاکید ها از ما)

و در ادامه همین صحنه در پاسخ
 این سوال که:

"آیا این نظر شما شایسته بختیار
 نخست وزیر است؟ را مستثنی میکند؟
 جواب می‌دهد که:

"این به خود او مربوط
 می‌گردد، اگر علناً از سلطنت
 طلبان فاصله بگیرد، ممکن است
 با وی همکاری کرد."

(همانجا تاکید از ما)

یک نمونه از این نیروها
 "علناً" بختیار است به شرطی که
 از سلطنت طلبان

فاصله بگیرد. پس صافه بسیار
 روشن است. هرکسی که - حتی
 بختیار - علناً از سلطنت طلبان
 فاصله بگیرد، جزو نیروهایی است
 که در "چارچوب وسیع تر و
 منطقه‌ای تر از سابق" (لا بد این
 "سابق" اشاره به همان

حزب دمکرات: . . .

اتحادی سابق حزب دمکرات با مجاهدین خلق است (حزب دمکرات جاسی کپرد و الزاماً جزو نیروهای "مهم پست" مورد نظر قلمنامه کنگره حزب دمکرات نیز هست .

البته حزب دمکرات یکبار دیگر و قبلاً نیز بعد از جدائی از شورای ملی مقاومت مجاهدین، طی اطلاعیه ای پیرامون این گونه همکاری ها صحبت کرده بود و اعلام داشته بود که :

" دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران آگاهی حزب را برای همکاری های دمکراتیک

و اصولی با همه احزاب و

سازمانها و شخصیت های دمکرات و ترقیخواه ایران . . . که بر ضرورت مبارزه جدی و مسلحانه در راه سرنگونی رژیم ضد مردمی جمهوری اسلامی و برپا کردن آوردن یک رژیم دمکراتیک اصرار

دارند ، اعلام می دارد، به این امید که آینده ای نزدیک شاهد بوجود آمدن یک تشکل وسیع

سیاسی از نیروهای دمکرات و مستقل و جمهوریخواه ایران باشیم .

(کردستان ۱۰۴ صفحه ۲۴، تاکید ها از ما)

بازنایید از نظر دور داشت که در همان تاریخ انتشار این اطلاعیه (یعنی ۱۰ اردیبهشت ۱۳۶۴)، حزب دمکرات در واقع با کلیه نیروهای انقلابی در کردستان بر سر اصول "دمکراتیک" و نقض آنها از سوی این حزب سخت درگیر بود و سیاست تهدید نیروهای سیاسی را در پیش گرفته بود . طبیعتاً نیروهای مورد نظر او برای همکاری های دمکراتیک و اصولی نمی توانست این قبیل نیروهای انقلابی باشد، چرا که دمکراسی و اصول مورد نظر حزب دمکرات در تعارض آشکار با دمکراسی و اصول مورد نظر آنها قرار داشت . اما یک نکته در همان فراخوان اطلاعیه حزب دمکرات که با صاحب دبیرکل این حزب مطابقت کامل دارد، روشن می سازد که محتوای این " رژیم دمکراتیک " حزب دمکرات در آن روز چه می توانست

رهبری حزب می خواهد در این راه پیش قدم گردد و کوشش های لازم را بعمل آورد . . . (تاکید ها از ما)

حال این جبهه دمکراتیک ضد امپریالیستی حزب دمکرات چه ربط مشخصی با آن چارچوب منطقی تر و وسیع تر از سابق دارد، که تشکیل آن یک ضرورت تاریخی است و بایست سازمانهای شرقی ایران به تشکیل آن همت گمارند؟ همان سازمان هایی که حزب دمکرات امروز با اکثریت آنها بر سر ابتدائی ترین اصول حاکم بر جنبش انقلابی خلق کرد خصوصیت می ورزد، یا سازمانها و شخصیت هایی از قاعده بختیار ضمای سلطنت طلبی که امثال او چه ربطی به "جبهه دمکراتیک" ضد امپریالیستی دارند؟ و حزب دمکرات با سیاستهای کنونی خود برای چه هدفی و انجام چه کاری می خواهد "پیشقدم" باشد؟ برنامه چنین جبهه ای چیست؟

دبیرکل حزب دمکرات طی آخرین صاحبیه خود قبل از همین کنگره برنامه چنین جبهه ای را اعلام داشته است. او می گوید :

" باید شعار اساسی ما، یعنی دمکراسی برای ایران و خودمختاری برای کردستان را پیشبرد که این خود قدمی است در جهت طرح اپوزیسیون سلطنت طلب ."

(کردستان ۱۰۹ صفحه ۳)
(تاکید ها از ما)

به زعم حزب دمکرات تنها پذیرش شعار اساسی او از سوی یک تشکل وسیع تر هم تضمین کننده دمکراتیک بودن چنین جبهه ای است و هم این پذیرش در عمل "قدمی" در جهت طرح اپوزیسیون سلطنت طلب است و لابد نشانه ای از رشد امپریالیست بودن آن .

اگر دمکراسی مورد نظر حزب دمکرات در شعار اساسی خود، "عین دمکراسی" است، عمل او در کردستان باشد، که جز این نمی تواند باشد و طبیعتاً است که حزب دمکرات بدنبال نیروهایی مثل بختیار و

باشد و "نیروهای دمکرات و مستقل و جمهوریخواه" می که باید به "امید" حزب دمکرات به ایجاد یک "تشکل وسیع" جاه عمل بیوشانند، از چه قضاوتی می تواند باشد . همانطور که دیدیم دبیرکل حزب دمکرات، گوشه ای از این تشکل وسیع که نه، جنسی "وسیع تر" و در عین حال منطقی تر را امروز روشن نموده است . و در این زمینه یک نمونه از آن نیروهای دمکرات و مستقل و جمهوریخواه "راصفری" کرده است . بختیار ضمای سلطنت طلبی اثر صاوی است با هم دمکرات و هم مد البته مستقل و هم جمهوریخواه (در صورت نفی علنی سلطنت، گوشه سلطنت طلب ها به شکل حکومت سلطنتی شیفته اند و سلطنت طلبی آنها فاقد

ضمن طیفانی مشخص است) . در این تشکل وسیع تر و منطقی تر دیگر جمهوریخواهانی امثال نیکسار مدنی و . . . جای خود دارند که آنها طبیعتاً در همان تشکل وسیع نیز جای می گیرند . این گونه گسترش هرچه بیشتر همکاری با نیروهایی که "وجه مشخصه" اصلی آنها را "مهم پست" بودن تشکیل می دهد، طبیعی است که تمام طیف اپوزیسیون بورژوازی ایران را در بر گیرد و "اراده سازی" رهبری حزب دمکرات نیز در این عرصه ظهور می جز این نخواهد داشت که در جریان این "گسترش" حتماً به بختیار نیز توصیه نماید که علناً از سلطنت طلبها فاصله بگیرد

کنگرس حزب دمکرات با چنین درکی از "همکاری" با نیروهای سیاسی و بعد از اصولانسه ارزیابی نمودن سیاست های حزب دمکرات در قبال نیروهای سیاسی در کردستان، بر ضرورت تشکیل جبهه نیز تاکید صریحاً می گوید :

" کنگره هتم تشکیل جبهه دمکراتیک - ضد امپریالیستی همان سازانهای شرقی ایران را یک ضرورت تاریخی می داند و از

حزب دمکرات: ...

امثالهم بگردد و در آن صورت مفهوم خودمختاری مورد نظر او در انطباق با چنین دمکراسی ای کاملاً روشن است که چه چیزی جز ادامه وضعیت موجود با یک سلسله تغییرات محدود در اوضاع و احوال است. اما برای حزب دمکرات و امثالهم، در محدود و طبعی در کردستان، می توانست باشند.

درک محدود حزب دمکرات از دمکراسی و خودمختاری و اهداف چهارم کمونی خلق کرد، او را چه در عمل و چه در نظر به سلسله خودمختاری در کردستان می کشد، و گرنه مفهوم دمکراسی امروز دیگر روشن است که چیست و خودمختاری در کردستان به چه مفهوم می آید. آن دمکراسی ای که بتواند حق تعیین سرنوشت خلق کرد را همراه داشته باشد، مسلماً باید شکلی بر اراده نمود هائی باشد که با درهم شکستن ماشین بوروکراتیک - نظامی حاکم می تواند عرصه عمل پیدا کند، و نه تحمل آن به یک دارودسته چهارلگر دیگر از قبیل نیروهای مبین پرستی. همچون پختیار و یا نظایرتازه از راه رسیده آن، بدون چنین نوعی از دمکراسی در ایران، کردستان خودمختار و آزاد از ضد ستم ملی و بقایای نظامات پوسیده نیز امکان پذیر نیست و حزب دمکرات بیا درک بوروکراسی از دمکراسی آینده ایران، نمی تواند درک محدود و بوروکراتیک از خودمختاری نداشته باشد، طبیعی است که همین اهداف محدود خود را بر تحقق این با آن جبهه با آترناتیو به اصطلاح دمکراتیک بگوید، که در واقع فاقد هرگونه ضامن دمکراتیک واقعی است. یک روز در شورای ملی مقاومت مجاهدین تحت پوشش یک برنامه بورژوا - فرصتی و یک دولت به اصطلاح دمکراتیک اسلامی، و روز دیگر درک آترناتیو دمکراتیک با چهارچوب وسیع تر و ضیق تر از سابق، حزب دمکرات قبلاً در توضیح چنین آترناتیو نیز نظریاتی داشته است که نگاهی به آن، درک ضامن و هدف "جبهه دمکراتیک - ضد امپریالیستی" امروز حزب

دمکرات را بیشتر میسر خواهد ساخت. حزب دمکرات قبلاً گفته است که:

"برای آترناتیو احتمالات گوناگونی وجود دارد، مثلاً می توان گفت که آترناتیو آینده ایران یک رژیم دمکراتیک خواهد بود یا یک نظام سلطنتی. بازی توان آرزو نمود که حکومت کارگری یک رژیم دمکراتیک انقلابی یا یک نظام سوسیالیستی یا کمونیستی بر سر کار آید همه این نوع رژیم ها را در نظر بگیرید و بر آن دل خوش دارید."

(کردستان ۱۰۵ صفحه ۶)
تاکید از ما)

بدیهی است همچنان که حزب دمکرات در عبارات بالا بیان داشته است به نظر او رژیم آینده ایران با یک رژیم دمکراتیک خواهد بود، یا یک رژیم سلطنتی، و بستگی به رژیم هائی که حزب دمکرات پشت پرده ریف نهاده است فقط "آرزو" هائی هستند که او به آنها دل خوش نکرده است از جمله یک آترناتیو دمکراتیک و انقلابی که با تأشیری تمام در بین نظام سوسیالیستی و کمونیستی... جا داده شده است تا با مفروض کردن ضرورت های جنبش کمونی و اهداف نهائی بورژوازی، به اینگونه اهدافی جلوه غیر واقعی و در پوشش "آرزو" داده شود.

حزب دمکرات بلافاصله بعد از بر شمردن آترناتیوها صریحاً نظر خود را و خواست خود را اعلام می دارد. حزب دمکرات... خواستار یک بدیل دمکراتیک است... (همانجا صفحه ۸)

به نظر حزب دمکرات تنها آترناتیوی که در مقابل آترناتیو دمکراتیک او وجود دارد، آترناتیو سلطنت طلب ها و خطر روی گار آدن آنهاست، بنا بر این بقول حزب دمکرات:

"این خطر کاملاً جدی است، هیچ بعید نیست سلطنت طلبان و نوکران رنارتک امپریالیسم از فرصت سوء استفاده نمایند" (همانجا صفحه ۲۱)
تاکید از ما)

پس طبیعی است که وظیفه جدی جبهه دمکراتیک - ضد امپریالیستی حزب دمکرات هم صرفاً مقابل با

چنین "خطر جدی" ای باشد و در صدر جمع و جور کردن هر نیروی اپوزیسیون ضد سلطنت باشد و نه تنها نظراً، بلکه عملاً هم در مقابل کسانی که اهل "آرزو" هستند بایستند، و با آنها خصوصت ورزد، سرز میان انقلاب و ضد انقلاب را در هم بپزند، از شورای ملی مقاومت مجاهدین که در صدر کسب جانشینی همه آترناتیوهای بورژوازی از جمله سلطنت طلبان

در میان محافل امپریالیستی است، پارا فراتر نهاده، تمامی اپوزیسیون بورژوازی را به چارچوبی وسیع تر "فرا بخواند و تنها وجه مشخصه آنرا در مقامی سلطنت طلبان جمهورخواه بودن آن قرار دهد. و تمامی "معاذ خود را به کار گیرد که هرچشمه صنعتی مبین پرست بودن هست نیز برچشم شعار اساسی خود گردد آورد."

بازهم طبیعی است که یک سر جبهه حزب دمکرات رانبروهای ضد انقلابی و خائنی همچون توده ای ها و اکثریتی ها تشکیل دهند، که شرط پذیرش حزب دمکرات مدتها قبل برای آنها اعلام شده است، که اگر آنها از گذشته خود انتقاد کنند و شعار سرنکونی رژیم را بدهند (کردستان ۹۹) که امروز می دهند می توانند از فیض ورود به جبهه مورد نظر حزب دمکرات برخوردار شوند، و بر دیگر این جبهه را بختیار منهای سلطنت طلبی اثر تشکیل می دهد.

بنا بر این سیاست های صحنه لانه "امروز حزب دمکرات در حال نیروهای سیاسی در کردستان، ارتباط لاینفکی با درک او از اهداف جنبش کمونی و برزندی نیروهای انقلاب و ضد انقلاب دارد."

قطعاً نکته هفتم حزب دمکرات، در مورد یک وجه دیگر از سیاست های حزب دمکرات در طول بیش از یک سال گذشته نیز برخورد نموده است، که آن هم مساله مذاکره با رژیم جمهوری اسلامی در شرایط کمونی است. مسلماً اتخاذ سیاست مذاکره با رژیم، یعنی از دستور خارج ساختن سرنکونی آن نمی توانست در اعمال سیاستی در دمکراتیک حزب دمکرات بی تاثیر باشد.

هرچند تا کنون حزب دمکرات

حزب دمکرات: . . .

خودمختاری برای بخشی از کشور
ما، موضوع خاصی است. در همان حال دمکراسی بر خودمختاری تأثیر میگذارد، خودمختاری نیز دمکراسی را تحت تأثیر قرار می دهد. دسترسی به آن به این معنی خواهد بود که ما توانسته ایم در بخشی از ایران به تعریف دمکراسی بپردازیم... به علاوه چگونه میتوانیم مثلاً به خلق کرد بگوئیم: رژیم به ما خودمختاری می دهد، [تأکید از خود کردستان] آنچه که ما می خواهیم، لیکن ما آنرا نمی پذیریم. در آن صورت چه انگیزه ای برای جنگیدن خواهیم داشت.

(کردستان ۱۰۶ صفحات (۴۱ و ۴۲، تأکید از ما)

مضمون اینگونه اظهارات بخشی آشکار می ساخت که مذاکره برای حزب دمکرات، چندان هم بیهوده نبوده است. حزب دمکرات واقعا در تصور آن بود که رژیم به او پیشنهاد خودمختاری کرده است. تا او در گوشه ای از ایران تحت حاکمیت رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی، تعزین دمکراسی بنمایند و از طریق خودمختاری روی دمکراسی و از طریق دست یافتن به صاله خاص روی صاله عام نیز تأثیر بگذارد. حزب دمکرات که در مبارزه برای خودمختاری مورد نظر خود نیز اینقدر ناپیکر است که با طرح پذیرش آن حتی در حد حرف از سوی رژیم، انگیزه جنگیدن را نیز از دست می دهد و بهر کل آن این واقعیت را با این بهانه توجیه می کند که: ما چگونه میتوانیم به خلق کرد بگوئیم که رژیم خودمختاری می دهد لیکن ما آنرا نمی پذیریم، در واقع سطح جنبش انقلابی خلق کرد را تا سطح عقب مانده ترین بخش توده ها، برای توجیه سیاست سازشکارانه خود در قبال رژیم پایین می آورد.

ولی گذشت زمان و ناکامی حزب دمکرات در حاشه عمل پشاندن به توهمات خود، در این

بارها به "بیهوده" بودن هرگونه مذاکره ای با رژیم تأکید نموده است. ولی هیچ گاه کم و کیف این مذاکرات را روشن ساخته یا از قلم آن صحبت ننموده است. این سکوت حزب دمکرات بود که در سر و صداهای مجاهدین برای رادیکال نصائی خود مورد بیشترین بهره برناری قرار گرفت. هدف مجاهدین در این سر و صداها نه مذاکره حزب دمکرات با رژیم، بلکه صمیمیت قرار دادن آن برای استوار و رشکستگی شورای ملی مقاومت بود، که حزب دمکرات با خرج بی صوابی و "مهرمانه" بی مجدا اما اراده جنجال برانگیز آن، آشکار ساخته بود. واقعیت این بود که حزب دمکرات دیگر از امکان موفقیت شورای ملی مقاومت در سرنگونی سریع رژیم خمینی ناامید گشته، تحقق همان اهدافی را که در شورای ملی مقاومت و برنامه آن دنبال می نمود، در جای دیگری و در میان جناح های داخلی رژیم جستجو می کرد. در واقع آنچه که در این میان تغییر یافته بود، نه ماهیت اهدافی که حزب دمکرات در پیوستن به شورا دنبال می کرد، بلکه طعنه انگیزی بود که برای حزب دمکرات برآورده نمودن هر چه سریع تر این اهداف محدود را، فراهم می نمود. به همین دلیل نیز حزب دمکرات با پر بها دادن به قول و قرارهای طرف مذاکره خود از یک صحنه و با ناامیدی کامل از شورای ملی مقاومت که از آن بمنوان "تنها اکثریت دمکراتیک" مدتها متایض کرده بود و طبعی دو کنگره قلبی خود یعنی کنگره پنجم و ششم، حضور در شورا و تمهد به آنرا به تصویب رسانده بود، از سوی دیگر و عملاً با صمیمیت قرار دادن ضعف و پراکندگی و بالاخره بی برنامگی این رژیم دمکراتیک در نتیجه تبدیل آن به علت نیرومندی و تثبیت جمهوری اسلامی (کردستان ۱۰۵، صفحه ۳) می گویند مذاکره با رژیم را صحنه جلوه دهد و امیدهایی به آن ببندد. هرچند به کرات بر "بیهوده" بودن آن تأکید می نمود. چنان که بهر کل این حزب در توضیح این امیدها علی یک صاحب مطبوعاتی با یک خبرنگار خارجی می گویند:

"دمکراسی برای ایران یک صاله عام است، لیکن

زمینه کوئی کنگره حزب دمکرات را وادار کرده است تا طی قطعنامه پایانی خود یکبار دیگر ظاهراً بر شعار سرنگونی رژیم، تأکید نماید و اعلام دارد که:

"از آنجائیکه در چهارچوب رژیم جمهوری اسلامی هیچ یک از خواست های اساسی مردم کردستان، دمکراسی برای ایران و خودمختاری برای کردستان تحقق پذیر نیست کنگره شعار سونگون باد رژیم

جمهوری اسلامی را مجدداً مورد تصویب قرار می دهد."

لیکن همین مجدداً قیید

عده در قطعنامه حاکی از عدم بای بندی حزب دمکرات به این شعار است، که هیچ گاه تاکنون از زبان حزب دمکرات نیفتاده بود. حزب دمکرات قلاً هیچگاه رسماً به عدول از این شعار که در شرایط کوئی ضمیم خاص خود را دارد، اذعان نکرده بود که امروز مجدداً آنرا تصویب نماید. کما این که بعد از تأکید مجدد دیگری بر این شعار در آخرین پانزوم قبل از کنگره هفتم حزب دمکرات، بهر کل این حزب طی صاحبهای علاوه بر روشن نمودن کانال این مذاکرات در داخل رژیم، مذاکره با رژیم را هنوز هم چندان "بیهوده" نمی داند. او می گویند:

"هاشمی رهنجانی، از چند

کانال گوناگون سعی کرد با ما

تطبی بگیرد. لیکن ما اعلام کردیم که گفتگو باید رسمی

باشد. حال چه از صحنه نماینده

دولت باشد یا نماینده خود

خمینی"

(کردستان ۱۰۹ صفحات ۲۳ و ۲۴، تأکید از ما)

از این اظهار نظر رهبری حزب دمکرات فقط میتوان این نتیجه را گرفت که "تصویب مجدد شعار لغو نشده" سونگون باد رژیم جمهوری اسلامی، دلیل بیهوده بودن گفتگو با کانال های خصوصی بوده است، و اگر رسماً و از طرف نماینده دولت یا خمینی چنین پیشنهادی صورت بگیرد، حزب دمکرات در آن صورت دیگر انگیزه ای برای جنگیدن نخواهد داشت و مجدداً در شعار خود تجدید

حزب دمکرات: . . .

نظر خواهد نمود. تا شاید در بخشی از ایران و زیر پرچم حاکمیت جمهوری اسلامی به تمرین دمکراسی بپردازد. این است مفهوم تصویب مجدد شعار سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی از سوی کنگره حزب دمکرات.

این درک سطحی از صالسه سرنگونی رژیم، جدا از درک حزب دمکرات از توان نیروی کنونی در جنبش انقلابی ایران، و ارائه آلترناتیو برای آن نیست. درست دنبال کردن همین اهداف محدود و سطحی نگرسی عایانه به مسائل نیز هست که حزب دمکرات را امروز به عامل نشت و پراکندگی در جنبش خلق کرد بدل ساخته است.

کنگرسه هفتم حزب دمکرات با صحنه گذاشتن بر سیاست های تاکنونی این حزب در تمامی عرصه ها، و قبل از همه در ادامه درگیریها و ابطال سیاستهای ضد دمکراتیک علیه نیروهای انقلابی در کردستان، عطا نه تنها نتوانسته است هیچگونه پاسخی به مسائل گریز جنس کنونی کردستان بدهد، بلکه برعکس با "مشولانه" ارزیابی نمودن سیاستها و موضعگیریهای این حزب در قبال نیروهای انقلابی، موجبات انزوای هرچه بیشتر حزب دمکرات در جنبش و دوری آن از نیروهای انقلابی و افتناع از گردن نهادن به الزامات جنبش کنونی را فراهم نموده است. تاکید مجدد حزب دمکرات بر شعار سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی نیز، تا زمانی که این حزب در عمل به یکی از عوامل نشت در جنبش کنونی، در نتیجه تضمین آن تبدیل شده است، به هیچ وجه نمی تواند بیانگر اعتقاد حزب دمکرات به این شعار باشد. درست به همانگونه که این امر خود را در ارائه آلترناتیو برای این رژیم نیز بدرستی آشکار می سازد، و در غیاب نیروهای انقلابی، که امروز دیگر ابعاد "موضعگیریهای مشولانه" حزب دمکرات در قبال آنها بر هیچ کس پوشیده نیست، نیز هست که او دست به دامان نیروهای "مهمین پرستی" می شود که هویت واقعی آنها نه "دمکراتیک" بلکه

همانطور که کارنامه عملی شان نیز نشان داده است، ضد دمکراتیک است.

شعار سرنگونی حزب دمکرات در انطباق با درک اوازمکراسی و قبل از همه به عنوان یک واقعیت عملی در کردستان انقلابی است. حزب دمکرات با درک خاص خود از "دمکراسی" تصویری کند هر آلترناتیو (منهای سلطنت طلبان) جایگزین رژیم جمهوری اسلامی شود، و ادعای "جمهوریخواهی" خالی داشته باشد، دمکراتیک است، فقط کافی است پسوند اسلامی را نداشته باشد. ولی واقعیت غیر از این است، تنها آن آلترناتیوی "دمکراتیک" است و حقیقتاً "دمکراتیک" می تواند عمل کند، که بوروکراسی ارتجاعی حاکم، ارتش سرکوبگر و دیگر ارگانهای پلیسی ارتجاعی سرکوب را، نه از دست یک بانده جنایتکار به دست بخش دیگری از همان جنایتکاران و سرافکندگان بشارد، بلکه برهم شکسته و بر سرانه های آن ارگان های اقتدار نموده ای و دولت ضعیف از این ارگانهای متکسل و صلح را جایگزین سازد. دمکراسی واقعی و انقلابی محصول چنین پیروزی ای بر رژیم ارتجاعی حاکم است. طبیعی است که برای حزب دمکرات این دمکراسی به مثابه "آرزو" و برای "دلخواهر" کمرش جلوه کند. آواز همین امروز سیاست تحول به اصلاح و تهدید در مقابل مخالفین خود را، بعنوان "عین دمکراسی" و یک "موضعگیری مشولانه" تقدیس می کند، همین نقطه عزیمت نیز هرگونه "دمکرات منشوی" او را افشا می کند و ماهیت آلترناتیو ارائه شده از سوی این حزب را بر ملا می سازد.

در یک کلام حزب دمکرات، در فاصله دو کنگره خود عطا گام های بزرگی در دوری از یک آلترناتیو واقعی دمکراتیک برداشته است. لازمه هرگونه بازگشت او بر این زمینه قطعیانه "مشولانه" و "کامل" درست ارزیابی کردن مواضع دیرین و امروز خود، در مورد نیروهای انقلابی و ارائه درگیری بسا کوهله و بلکه برخوردی است که گام اول آنرا صلیا پذیرش بدون قید و شرط آتش بس فوری و گردن نهادن به اصول دمکراتیک ناظر بر جنبش کنونی تشکیل می دهد. در غیر این صورت، طبیعی است که حزب دمکرات برای تحقق بخشیدن به

شماره های خود در زمینه گسترش همکاری و غیره نیز، باید بدنیه نیروهای بگردد که تنها وجه مشخص آنها "میبین پوست" بودن باشند.

از صفحه ۲

برای ایجاد شوراهای اسلامی

و حاضر نبوده اند جانب توده ها را رها سازند، مورد خشونت و سرکوب مزدوران قرار گرفته اند. از آنجمله شماران اسلامی روستای "انجمن" را می توان نام برد. چندی پیش اعضا این شورا به بهانه اینکه گزارش روستا و اهالی را به سپاه پاسداران و دیگر ارگان های جاسوسی و سرکوب رژیم نداده بودند، و برای آنکه تن به همکاری و همکاری یک عنصر سر برده و دست نموده درون شورا نداده اند، توسط سرکوبگران رسیده شده و به بیرون از روستا انتقال داده می شوند و در آنجا مورد ضرب و شتم و کتک کاری و اهانت مزدوران قرار می گیرند.

مزدوران رژیم جمهوری اسلامی در هر جا که موفق به تشکیل چنین شوراهای ساختگی گشته اند، آنان را با زور و قریب به جسات رسی خود می کشانند تا اجالت محدود اجباری "موزنی" برای آنان بر پا می کنند، آنان را به شهرهای خارج از کردستان می برند، یا نام آنها دست به انتشار نشریه و اعلامیه می زنند، تا بالاخره از این طریق بتوانند آنان را به ارگان های سرکوب خود ضمیمه کرده و وادار به جاسوسی نمایند.

اما مبارزه زحمتکشان روستا علیه سرکوبگران و عدم استیفاء و مخالفت شان با شوراهای اسلامی، و دزدی ها و تلاف برداری های آنان، مبارزه شان علیه مصاد غدا، علیه تقسیم غیر عادلانه و فروتر آن در بازار سیاه و غیره، مزدوران سرکوب را در دست یابی به هدف ارتجاعی خود ناگام گذاشته و تلاش های مذبوحانه رژیم را در این زمینه عث و بی ثمر نموده است.

عملیات پیشمرگان فدائی

دیگر ابعاد وسیعی به خود گرفته و با تحریک روزافزون پیشمرگان قهرمان خلق کرده، به آن کوناگون ضربات وارده بر مزدوران رژیم روزافزون نموده است. امروز دیگر در هیچ نقطه‌ای از کردستان آرامشی برای مزدوران رژیم برجای نمانده است. سکوت دهشت‌آور حاکم بر پایگاه‌های مزدوران رژیم در عمل همیشه با یورش ناگهانی و قهرمانانه پیشمرگان درهم شکسته شده است و این امر همین پایگاه‌ها را به زندانهای مبارک برای مزدوران رژیم تبدیل نموده است که آرامش ترس‌آور حاکم بر آنها نیز همیشه آستان مرگ و زندگی است. در انتظار حمله‌ای که هیچگاه اسکان پیش‌بینی آن برای مزدوران صبر نیست. درست در ادامه چنین حملاتی به مزدوران رژیم نیز پیشمرگان فدائی طی یک جوله سیاسی-نظامی در منطقه بانه - مردشت و با اجرای عملیات ضربتی بر روی پایگاه‌های رژیم در روستاهای منطقه بانه، ضمن به نصاب گذاشتن توان رزمی خود، باطل بودن ادعاهای رژیم در کردستان را به اثبات رسانیدند. در طول یک هفته از شنبه تا جمعه سیزدهم دیماه ۶۴ پیشمرگان سازمان در منطقه بانه، چند عملیات تهاجمی بر روی پایگاه‌های رژیم انجام دادند که عبارتند از:

پیشمرگان زیر آتش قرار گرفت. مزدوران آنجا از سرعت عمل پیشمرگان قهرمان دچار سردرگمی شده بودند که اسکان هرگونه عکس‌العملی را از دست داده بودند. پیشمرگان فدائی بعد از اجرای آتش خود بر روی این پایگاه، همگی سالم به محل قرار خود بازگشتند.

۱- عملیات روی پایگاه "گرده شین"

همچنین پایگاه "گرده شین" نیز که به تازگی جهت اعمال جنایات رژیم جمهوری اسلامی در منطقه و در روستای "انجینه" مستقر شده است، برای اولین بار مورد شناسایی و تهاجم کوچ‌کننده پیشمرگان قهرمان فدائی قرار گرفت. این حمله که در ساعت ۶ بعد از ظهر روز جمعه ۱۳ دیماه صورت گرفت، عجز مزدوران رژیم را از اسکان برخوردار از هرگونه عکس‌العملی، پیش از پیش به نصاب گذاشت. این عملیات که با شلیک آرمی جی آغاز شده و با رگبار مسلسل‌های پیشمرگان ادامه یافت، بدون آنکه مزدوران رژیم فرصت عکس‌العملی را پیدا کنند، بعد از مدتی شلیک ضد وی و قهقهه به درون پایگاه پایان یافت و پیشمرگان فدائی بعد از انجام این تهاجم برق‌آسا همگی سالم به مناطق تعیین شده بازگشتند.

از تعداد تلفات مزدوران رژیم و خسارات وارده بر این پایگاه نیز خبر موثق در دست نیست.

سازمان جریکهای فدائی خلق ایران
کمیته کردستان

۱۷ دی ماه ۱۳۶۴

رژیم جمهوری اسلامی که چندین سال است با لاف و کزاف مدعی پاکسازی ضابط مختلف کردستان قهرمان شده است به استقرار پایگاه‌های متعدد در سراسر کردستان دست زده و مزدوران خود را در اقصى نقاط کردستان و در این پایگاه‌ها مستقر نموده است. برخلاف ادعاهای دروغین خود امروز بیش از همیشه در معرض تهاجمات قهرمانانه پیشمرگان خلق‌گردد در سراسر کردستان قرار دارد.

رژیم جمهوری اسلامی در واقع امر با گسترش پایگاه‌های خود، به گسترش جبهه جنگ پرداخته است که ادامه آن تنها فرمایش بیش از پیش نیروهای مزدور خود و بی‌سرانجامی تلاشهای مذبحخانه‌اش و ضرورت بختن این رژیم در بخش را در با تلاق جنگ جنایتکارانه‌ای که هم‌اکنون بیش از شش سال است علیه خلق کرد آغاز کرده است، هر چه بیشتر آشکار می‌سازد. امروز دیگر هر پایگاه رژیم و هر تجمع مزدوران آن در این پایگاه‌ها، به یک هدف برای رگبار مسلسل‌های پیشمرگان بدل شده است. نه تنها از ابعاد جنگ انقلابی در کردستان گامی نرفته است، بلکه برعکس با گسترش جبهه مقابله با دشمن و بکارگیری تاکتیکهای متنوع جنگ انقلابی در کردستان، این جنگ امروز

۲- عملیات تهاجمی بر روی پایگاه "برده بوک"

در ساعت ۷ عصر روز شنبه ۷ دیماه یک دسته از پیشمرگان فدائی همراه با شعارهای "رود بر فدائی، مرگ بر امپریالیسم" با شلیک راکت آرمی جی و رگبار مسلسل‌های خود پایگاه "برده بوک" را زیر آتش گرفتند و خساراتی بر آن وارد آوردند. مزدوران رژیم سراسیمه و بی‌هدف به خیابان باران اطراف پایگاه پرداخته و با سلاح‌های مختلف به هر سوی شلیک نمودند. همزمان با این تعرض چورانه دسته دیگری از پیشمرگان، جاده "برده بوک - کانی بی" را نیز تحت کنترل خود درآوردند.

این عملیات مقارن با سانور گروه بزرگی از جاشهای خائن و مزدور گروه ضربت سیاه پاسداران بانه در همان منطقه بود که برای پاکسازی منطقه به آنجا اعزام گشته بودند. از میزان خسارات و تعداد تلفات وارده بر این پایگاه خبر موثقی در دست نیست و پیشمرگان بعد از انجام این عملیات سالم به محل‌های قرار خود بازگشتند.

۳- حمله به پایگاه "تاوه بان"

پایگاه "تاوه بان" نیز که به تازگی توسط دو خمیان جمهوری اسلامی برای سرکوب خلق قهرمان کرد برقرار شده است، بعد از شناسایی دقیق پیشمرگان فدائی در ساعت ۷ بعد از ظهر روز پنجشنبه ۱۲ دیماه برای اولین بار بعد از استقرار مجدد آن توسط یک دسته از پیشمرگان فدائی مورد تعرض واقع شده، با شلیک آرمی جی و سلاح‌های

از صفحه ۱

نگاهی به

مبارزات توده‌ای در کردستان

(به ماهه سوم سال ۶۲)

علاوه بر موارد فوق که
مختصرترین جلوه‌های مستمری رژیم
جمهوری اسلامی علیه توده‌های
انقلابی است اجرای سیاست
سربازگیری و تسلیح اجباری و زن
بالائی را در حرکات سرکوبگرانه
دارا می‌باشد. برای زحمتکشان
مقابل همه جانی به
این عملکردهای سرکوبگرانه
و سیاستهای ضد خلقی به امری
روزمره تبدیل گشته است. در
سه ماهه گذشته نیز جوشش حرکات
اعتراضی و دسته جمعی زحمتکشان،
هر نقطه کردستان را فرا گرفته
است.

در ۲۵/۶/۶۴ بعد از یورش
به اهالی روستاهای "خرابیه" و
جندی برداشان "روستای خرابه"
زیر آتش توپ و خمپاره قرار گرفت
و خسارات مالی و جانی فراوانی
به روستائیان وارد گردید.

در همین روزها ۸۰ رایی
احشام روستای "اصحاب" در منطقه
صهاباد در اثر خمپاره باران
روستا تلف گردیدند. در این
منطقه مزدوران پس از تحمیل
ضرایب پیغمبران خلق کرد روستای
"امین آباد" را در روزهای ۶ و
۷ آبانان به خمپاره بستند.

همچنین در تاریخ ۸/۱۸ مزدوران
پطرز و خنیانه‌ای به روستاهای
"بی هنگون"، "لموج" و "کوخان"
را به توپ و خمپاره بستند.
که منجر به شهادت یک جوان گردید.
روستای "گروستک" در منطقه
اضویه در اثر توپ و خمپاره و
کاتیوشا خسارات زیادی را تحمیل
شد مزدوران به داخل روستا یورش
برده، پل و اموال اهالی را به
غارت بردند.

روز ۱۶/۸/۶۴ روستاهای
"بران"، "کولان"، "کانی رش"، "پوده"
سیان در منطقه مردشت
زیر آتش توپ و خمپاره قرار گرفتند
و بعد از آن نیز در برخی روستاها
از جمله روستای "کولان" مزدوران
با یورش خود ۲ نفر را دستگیر
کردند و در روستای "بران" ضمن
تفتیش خانه‌ها به غارتگری پرداختند.
در تاریخ ۸/۱۲ روستای
"شبه هینان" در منطقه بانه
هدف آتش توپ و خمپاره قرار گرفت
که منجر به زخمی شدن ۱۰ نفر
و شهادت یک زن گردید.

علاوه بر خمپاره باران روستاها
مزدوران رژیم جهت تهدید
فشارهای بی حد و حصر را بر
زحمتکشان انبارهای علوفه را به آتش
کشیدند. در تاریخ ۱۲/۱۲/۶۴

مزدوران در آستانه فصل زستان
برای اعمال فشار بر زحمتکشان
روستاها بسیاری از انبارهای علوفه
و انبارهای زمستانی احشام اهالی را به
آتش کشیدند. اغلباً را ویران
کردند و به زور اهالی چندین روستا
را وادار به تخلیه خانه و گاشانه
خود و ترک محل کار و زندگی‌شان
نمودند.

مزدوران رژیم با به محاصره
در آوردن روستاهای مناطق
مختلف و یورش به داخل آنها، برای
ایجاد فضای رعب و وحشت اهالی
را هدف تیراندازی خود قرار
دادند و ضمن تعدی به امیالی
و تفتیش خانه‌های آنها هر آنچه
از اموال و دارائیهای اهالی
بدستشان افتاد بتاراج بردند.
آنان بهر شیوه ممکن از فریب
زور و تهدید از زحمتکشان اخاذی
مالی نمودند.

مزدوران در برخی مناطق
اطراف زمینهای کشت و کار اهالی
را با سهم خادان محصور نموده
و از اداه‌کار آنان جلوگیری کردند
و یا با تشو دالهای سرجمع و صلح
به غصب زمینهای محاصره شده توسط
دهقانان (بعد از قیام ۷۲) پرداختند
و آنان را تحت شکنجه و آزار قرار
دادند. اهالی در حین عبور
و مرور از مسیر جاده‌های مناطق
مختلف توسط مزدوران با توهین
و آزار و اذیت روپرو شدند، مزدوران
هرکسی را به زور ضرب و شتم می‌کردند و به
بهانه‌های مختلف آنان را دستگیر و
با خود بردند.

مزدوران اهالی را به انحصار
گونگون به بیگاری واداشته و در
موردی از آنان برای پاکسازی
محل‌های توده خود که در اثر
مسین‌گذاری پیغمبران انقلابی
تا امن گردیده اند استقاریه نمودند.

جنبش توده‌ای در کردستان همچنان
در عرصه مبارزه انقلابی خلق کرد از
جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. سراسر
سرزمین کردستان، روستا به روستای
آن به کانون پرچهر مبارزه بدل
گشته است و زحمتکشان متحدیده
با عزمی راسخ و ستیزنده در مقابل
سرکوبگران خلق کرد ایستاده اند.

در چند سال گذشته، رژیم
ارتجاعی جمهوری اسلامی، در
مقابل مبارزه توده‌های انقلابی
برای کسب حق تعیین سرنوشت خود
و احشاء مستکبری ملی، راه چاره‌ای
جز توسل به نیروی سرکوب‌نداشته
است. اما در مقابل جنایات
و وحشیگریهای رژیم تاکنون، شعله‌های
جنگ انقلابی هر روزه تعداد بسیاری
از نیروهای سرکوبگر را به کام
ناپودی کشیده است. و توده‌های
زحمتکش با قدرتی پایان ناپذیر و در
یرتو تحرك صلحانه پیغمبران دلاور
خلق کرد، هر نقطه از کردستان را
به در مبارزه علیه مزدوران سرکوبگر
رژیم تبدیل ساخته اند.

رژیم جمهوری اسلامی، همچنان
در صاههای گذشته نیز به انکسار
مختلف سیاستهای سرکوبگرانه اثر
را علیه توده‌های خلق کرد اعمال
نمود. توده‌های انقلابی در
مبارزه‌ای مداوم و رو به گسترش،
نیروهای سرکوبگر را در عرصه‌های
مختلفی با شکست روبرو ساخته
و با قدرت رزمی خود ضعف
و زبونی رژیم را بنمایش گذاشتند.

طی سه ماهه گذشته، مزدوران
سرکوبگر مستقر در پایگاههای نظامی،
به روستای کردستان را هدف
آتشباری توپ و خمپاره قرار دادند.
در اثر این اعمال جنایتکارانه دهها
تن از اهالی بی دفاع در خون خود
غرق گشتند و خانه و گاشانه آنان
ویران گشت.

نگاهی به

مبارزات توده‌ای

در روستای "نستان" در منطقه ربط روستای، "بادینای" در منطقه پیرانشهر، روستاهای "حنکو"، "ابنی"، "گانی سی" در منطقه ارومیه، انبارهای علوفه توسط مزدوران به آتش کشیده شد. و در تیانماه مزدوران آغلهای احشام در روستای "ناری" توسط مزدوران به آتش کشیده شد. در منطقه بانه در ۳۰ آبان ماه بعد از یک یورش گسترده به روستای "سوتو" آغل‌ها و انبار علوفه دام‌های اهالی به آتش کشیده شد. در اوایل آذرماه نیز مزدوران در روستای "گولی" منطقه ربط آغل‌های روستا را به آتش کشیدند.

در غالب این حرکات وحشیگرانه مزدوران رژیم قصد داشتند تا با واداشتن اهالی بی دفاع به عقب نشینی و تمکین به سیاست‌های رژیم روستاها را که هر کدام از آنها بمشابهت یک پایگاه حمایتی نقش تعیین کننده ای در پیشبرد جنگ انقلابی برای پیشمرگان دارند، از سبک خالی نماید.

اغلب در چنین مواردی، اهالی علیرغم تحمل خسارات مالی و جانی فراوان حاضر به تخلیه روستاها نگشتند. در حرکات اعتراضی نسبت به این اعمال جنایتکارانه از آنجائی که شیوه حرکت مزدوران به نحوی بود که آنها یا رودرری اهالی قرار نمی گرفتند و یا در صورت حضور مستقیم غالباً به سرعت روستا را ترک می کردند. اعتراض اهالی در شکل مشخصی نمود یافته است. مراجعه به شهرها و اعتراض در مقابل ارگانهای دولتی آن شکل اعتراض مشخص است.

اهالی روستای "خرابه" در منطقه پیرانشهر در اعتراض به توب و خمپاره روستا با تجمع و اعتراض در مقابل سپاه پاسداران شهر، کین و نفرت خود را به نمایش گذاردند.

اهالی روستای "اصحاب" در منطقه مهاباد در اعتراض به توب و خمپاره یاران و تحمل خسارات مالی به گردان "میرسیه" مراجعه و اعتراض نمودند.

اهالی "بیهنگون" و "حسن چپ" در مقابل تهدیدات مزدوران به میران کردن روستاها در مقابل ارگانهای دولتی شهر مهاباد به اعتراض دست زدند.

اهالی روستای "سوتو" در اعتراض به آتش زدن انبارهای علوفه در شهر بانه به اعتراض پرداختند.

اهالی روستای "گولی" در منطقه ربط در اعتراض به خمپاره باران روستا به سپاه پاسداران اعتراض نمودند.

اما یکی از برجسته ترین نمونه های حرکات اعتراضی توده ها، علیه کوچ اجباری در منطقه "ریله ساران" هستند. بود که اعتراض ضدانه اهالی چندین روستا مزدوران را وادار به عقب نشینی کرد.

در اوایل آذر ماه یورش جنون آسای مزدوران به قصد کوچ اجباری اهالی روستای "هه وارم" گرمه "هه وال سه بی" "تنکیاخ" "شانشین" علیرغم بکارگیری زور و ارباب و تخریب خانه های روستای "هه وارم" در اثر مقاومت اهالی با شکست مواجه شد.

داشته این اعتراضات تاثيرات خود را بر روستاهای اطراف بر جای گذارد و حمایت های ضمنی اهالی آنها را برانگیخت. رژیم موفق به تخلیه روستاهای "هه وال سه بی"، "تنکیاخ" "شانشین" نشد و در مقابل اعتراض ۸ روزه اهالی روستای تنکیاخ در شهر میوان و سنجندج، دست از تهدیدات خود علیه این روستاها برداشت.

همچنین مزدوران رژیم جهت تشدید فشار بر اهالی به شیوه های گوناگون به اخذ مالی از توده ها پرداختند. زحمتکشان نیز طبعی چندین حرکت اعتراضی به مقابله با این اقدام فارتگرانه مزدوران برخاستند.

مزدوران در ۲۶ و ۲۷ مهرماه روستاهای "اروک" و "کولکه رمن" در منطقه بازار سردشت را مورد یورش فارتگرانه قرار داده و به اخذ مالی از اهالی آنها پرداختند.

زحمتکشان روستای "کورانه" در منطقه "ترکو" جاشهای مزدور را که قصد ورود به روستای مزبور جهت اخذ مالی اهالی آن داشتند، با مقاومت و اعتراض خود به

عقب نشینی واداشتند. در همین منطقه مزدوران از اهالی روستای "قاپر" بنام پیشمرکه پول اخذی کردند. جاشهای مستقر در شهرک ربط به روستای "اشقل" مراجعه کرده و بنام پیشمرکه پس از ضرب و شتم صاحب یک خانه مقداری پول از او اخذی نمودند.

جاشهای منگور در منطقه مهاباد که اکثراً فئودالهای منطقه هستند، از اهالی چندین روستای این منطقه اخذی کردند و سپس در "میرانه"، "بیهنگون"، "حسن چپ"، "محمودآباد"، "موسی دایک" "کوزراو" و "زیوه" حلفی نزدیک به ۲۵۰۰۰۰ تومان و تعدادی احشام را به غارت بردند.

در ۲۴ آبانماه مزدوران رژیم به روستای "داشرخانه" در منطقه "شارویران" رفتند و تحت عنوان پیشمرکه از ساکنین خانه طلب پول کردند. هنگامی که اهالی خانه به ماهیت آنان پی بردند مزدوران ضد خلقی یکی از فرزندان صاحب خانه را به شهادت رسانیدند و پسر دیگر او را با خود بردند.

در نیمه آبان ماه مزدوران به بهانه خانه گردی دست به غارت و چساول اموال و دارائیهای اهالی روستای "یاغبان" در منطقه مهاباد و روستای "یالانی" در منطقه "سارده کوهستان" مهاباد زدند.

همچنین در همین روزها در منطقه پیرانشهر در چندین نمونه مزدوران بنام پیشمرکه از اهالی پول اخذی نمودند. از جمله در شهر پیرانشهر ۱۰۰۰۰ تومان از صاحب یک خانه و ۶۰۰۰۰ تومان از خانه دیگر اخذی کردند. در روستای "بنای" مزدوران رژیم به نام پیشمرکه از مردم طلب پول کردند که با مقاومت صاحب یک خانه به عقب رانده شدند. در روستای کهنه لاجان "مزدوران علاوه بر اخذ مالی، سند زمین صاحب خانه را نیز با زور گرفتند.

در اوایل آذر ماه چند تن از مزدوران صلح رژیم با زور صلح صد و هشتاد هزار تومان از اهالی روستای "دال دالان" در منطقه ربط اخذی نمودند. در منطقه ربط نیز مزدوران پی از تحمل ضرباتی چند از پیشمرگان خلق کرد به روستای "نیسک آوی" یورش برده و با زور اسلحه به

غارت اموال اهالی پرداختند و مبلغ صد و پنجاه هزار تومان از آنان اخاذی کردند.

لازم به یادآوری است که مزدوران نه فقط با تحمل به زور و با فریب به اخاذی می‌پرداختند، بلکه یکی از شیوه‌های دیگر آنان این است که تحت عنوان "زکات" و "آجاره" از زحمتکشان طلب پول می‌کردند.

همانطور که ملاحظه می‌گردد مزدوران سرکوبگر که علت وجودیشان در کردستان سرکوب، ستم و غارت و چپاول است چگونه در حق توده‌های ستمکش از هیچ بداندستی فروگذار نمی‌کنند. آنان در مواردی توانسته‌اند به نام پیشمرکه و با فریب توده‌ها مالکی را به چنگ آورند لیکن این خریه مزدوران در موارد دیگر نقش بر آب گشته و توده‌ها نه تنها پیشینی در اختیار آنان قرار نداده‌اند بلکه به مقابله اعتراضی با آنها پرداخته‌اند.

در همین رابطه:
- اهالی روستای "قلاکون" ۴ تن از مزدورانی را که به قصد غارتگری وارد این روستا گردیده بودند با هوشیاری دستگیر نمودند.

- اهالی ۱۲ روستای منطقه مهاباد جهت اعتراض به اقدامات غارتگرانه مزدوران به فرمانداری شهر مهاباد رفته و از مقامات رژیم می‌خواهند تا به این اعمال بددنیانه رسیدگی گردد. از آنجائیکه فرماندار مزبور خود از همدستان جاشما می‌باشد از پاسخ کوئی به زحمتکشان طفره می‌رود.

- اهالی منطقه پیرانشهر نیز پس از پی بردن به طایفه ارتجاعی مزدورانی که بنام پیشمرکه پول اخاذی می‌نمودند در مقابل این عمل شایسته اعتراض نمودند.

و حالا گوشه‌ای دیگر از حرکات اعتراضی زحمتکشان کردستان:

- ۱۱ مهر ماه اهالی روستاهای "ضدان" و "مهرای" در برابر یورش مزدوران برای ضرب و شتم اهالی مقاومت و اعتراض نمودند.

- اهالی روستای "گندان" در منطقه مهاباد با تجمع و اعتراض خود در مقابل یکی از مقرهای متقرر در روستا مزدوران را واداشتند که دست از محاصره روستا بردارند.

- اهالی روستای "کولان" در منطقه سروان در مقابل اجرای طعن اداره جنگلبانی به مخالفت

برخواستند. آنان در چند روزی در شهر سروان، در مقابل اداره جنگلبانی، دادگاه و سپاه پاسداران دست به تظاهرات اعتراضی امیز زدند. عده‌ای دیگر از اهالی طایفه پیشرفت کسار مزدوران برای ایجاد محدودیت در مزارع و کشیدن سیم خاردار شدند. اعتراض اهالی مزدوران را به عقب نشینی واداشت.

- اهالی روستاهای "دری" و "خیرآباد" در منطقه سروان ضمن اعتراض به اعمال جنایتکارانه مزدوران موفق شدند چند یکی از اهالی را که توسط مزدوران به شهادت رسیده بودند بگیرند. و بالاخره فشار اهالی روستای "قره‌ناو" در منطقه سقز مزدوران را در احداث پایگاه متقرر در روستا به عقب نشینی واداشتند.

چنین بود جنبه‌های سیاسی از حرکات اعتراضی زحمتکشان کردستان در برابر جنایات و وحشیگری‌های مزدوران رژیم جمهوری اسلامی.

علیه سرمایه‌داری اجباری

طی سه ماه گذشته مقابله با سیاست سرمایه‌داری اجباری به نسبت طاهای گذشته شکل حادثی یخود گرفته است. رژیم در طاهای گذشته ضحاق تبلیغات جنگی، موج صیعی از سرمایه‌داری اجباری را در شهرها و روستاهای مراکز ایران به راه انداخت و گروه‌های مختلفی از آثار مردم را روانه جبهه‌های جنگ ایران و عراق نمود. در مسیر جاده‌های فواصل شهرها پستهای پانزسی جهت دستگیری جوانان گسترش یافت. مدارس و کارخانه‌ها به جولانگاه مزدوران بدل گشت و رژیم بر یورش‌های خود به روستاهای کردستان جهت اجرای این سیاست افزود.

از آنجائیکه در گذشته مزدوران رژیم به تجربه دریافته بودند که در اثر مقابله توده‌های زحمتکش به راحتی قادر به پیشبرد یک چنین کاری نیستند این بار به شیوه‌های غافلگیرانه خود افزودند و محور عملی اجرای این سیاست را دستگیری وسیع جوانان و به اصطلاح مسئولین خدمت‌رسانی قرار دادند. اما این اقدامات مزدوران نیز از سعی توده‌ها بی‌جواب نمانده و مقابله زحمتکشان ضمن ابراز مخالفت و اعتراض در صافه روزمره خود نیز شیوه‌های مقابله مختلفی را جهت خنثی‌سازی این سیاست

در پیش گرفتند و در بسیاری موارد نیز موفقیت‌هایی کسب نمودند.

اعتراض دسته جمعی و بیرون راندن مزدوران از روستا، زد و خورد با مزدوران، قرار جوانان از روستاها، تجمع در مقابل ارگان‌های دولتی از جمله شیوه‌های مقابله اهالی با سیاست سرمایه‌داری اجباری بود.

در منطقه مهاباد طی ماههای آبان و آذر مزدوران رژیم برای سرمایه‌داری اجباری یورش وسیعی را به روستاهای منطقه آغاز کردند. تعدادی از جوانان را دستگیر نمودند. عده‌ای از دستگیرشدگان در ۲۴/۷/۶۴ به ارومیه منتقل گردیدند تا از آنجا ترتیب اعزام آنان به جبهه‌ها فراهم گردد.

زحمتکشان روستای "گانی‌رش" در اوائل آذرماه در اعتراض به دستگیری ۶ نفر از جوانان به مقابله با مزدوران برخاستند و با سنگ و چوب ضمن از کار انداختن یک خودروی مزدوران و زخمی کردن چند پاسدار تا آزادی دستگیرشدگان به اعتراض خود ادامه دادند.

اهالی روستاهای منطقه "چم مجیدخان" نیز در اعتراض به این سیاست به زد و خورد با مزدوران پرداختند. مزدوران موفق به اجرای این سیاست نگردیدند و برای چندمین بار شکست فسخ‌حانه خودشان را تجربه نمودند.

اهالی روستاهای منطقه اشویه از جمله "شیروانه" و "سنگ" و "لورگان"، "گل‌سرو" و "شیر" و "در منطقه" نه‌لای در مقابل اینکه مزدوران از آنان خواسته بودند جوانانشان را جهت سرپای آماده کنند اشتناکی به خواست مزدوران نکردند.

طی روزهای ضوالی در آبان و آذرماه در روستاهای اطراف سقز مزدوران اقدام به دستگیری عده‌ای از جوانان نمودند. شدت این دستگیری به حدی بود که حتی از یک خانواده ۳ نفر نیز توسط مزدوران دستگیر شده‌اند. این اقدام مزدوران اعتراض زحمتکشان را برانگیخته، افراد دستگیر شده نیز به این اقدام مزدوران اعتراض نموده و عده‌ای دیگر از جوانان "بله‌جر" و "قره‌جر" موفق شدند از چنگ مزدوران بگریزند.

در ادامه اعتراض اهالی نسبت به دستگیری فرزندان آنان تعدادی از مردان و زنان روستاهای منطقه گورک در شهر سقز در مقابل

نگاهی به

مبارزات توده‌ای ...

یادگان این شهر تجمع نمودند و خواستار آزادی فرزندانشان شدند. در منطقه بوکان رژیم با توسل به آزار و اذیت حدود ۵۰۰ تن از جوانان شهر و روستا را دستگیر نمود. همچنین در منطقه "فیض‌آله" بیکی مزدوران با استفاده از تاریکی شب، روستاها را مورد هجوم قرار داده و به دستگیری جوانان پرداختند. اما مزدوران در این زمینه موفقیتی بدست نیاوردند و تنها ۱ نفر از جوانان ۲ روستای "التون" و "ماره‌آوا" را دستگیر نمودند.

در اواخر مهرماه جوانان روستای "سگان" در "مرگور" قبل از اقدام جانیها و پاسداران برای دستگیری آنان از روستا خارج گردیدند. مزدوران که در اجرای نقشه خود تا کام مانده بودند ضمن اذیت و آزار و سرکوب اعتراضات اهالی دست به تیراندازی زدند که یک نفر از اهالی مجروح گردید.

همچنین در ۳۱ مهرماه به جز چند نفر، جوانان روستاهای "شیخ‌نر" و "جیزیان" در این منطقه موفق شدند از جنگ مزدوران بگریزند. بدنبال دستگیری تعدادی از جوانان اهالی دست به اعتراض زدند و با حمله به مزدوران و شکنجه آنان ضمن شکنجه تفنگ یکی از مزدوران موفق گردیدند دستگیر شدگان را آزاد و مزدوران را از روستا بیرون کنند.

در منطقه مریوان بسیاری از روستاها تحت فشار سیاست سربازگیری اجباری قرار گرفتند. روستاهای "بلجه سوور"، "ماموله" و "لاوسان" مورد یورش قرار گرفتند. مزدوران روستای "سوور" که اول را چند روز ضوایی خمپاره باران کردند. اهالی روستاهای منطقه از جمله اهالی "۱ روستا" "ماموله"، "گولان"، "بلجه سوور"، "لاوسان"، "پیرخیران"، "وه دو"، "هلیزآوا"، "پیره"، "نیزل"، "ونینه یائین"، "ونینه بالا"، "کوپره"، "و هنگ زاله" ضمن استادگی در مقابل مزدوران بطور دسته جمعی با ترک روستاهای خود مزدوران را در اجرای سیاست خود با شکست مواجه ساختند.

اما بارترین نمونه شکست

رژیم در این زمینه حرکت اعتراضی و زد و خیزد اهالی "گلنیه" در منطقه "قره توره" دیواندره بود.

بعد از تلاشهای مکرر مزدوران رژیم برای دستگیری جوانان در روزهای ۱۱ و ۱۲ مهر روستای فوق به محاصره مزدوران درآمد. در روز اول عده‌ای از جوانان دستگیر گردیدند و در روز بعد مزدوران برای ارباب اهالی دست به تیراندازی زدند. روستائیان به این عمل مزدوران اعتراض کردند و در جلو پایگاه تجمع نمودند و خطاب به مزدوران گفتند: "سربازی نمی‌کنیم" حاضر به چنین کاری نیستیم.

مزدوران به محض مشاهده اتحاد و یکپارچگی اهالی دست به تیراندازی می‌زدند، یک نفر زخمی می‌شود، زخمیشان با شعار بطرف پایگاه حرکت می‌کنند. مزدوران زخمیش را با ورود به داخل پایگاه با مزدوران که در حال تیراندازی بودند درگیر می‌شوند. عده‌ای از اهالی خود را به زندان رسانده و در آن را برای آزادی دستگیر شدگان می‌کشایند. و تعدادی از مزدوران توسط اهالی خلع سلاح می‌گردند. مزدوران که عصبانیت خود را می‌بینند عقب نشینی کرده خطاب به توده‌ها می‌گویند: "از شما سرباز و سربازی نمی‌خواهیم فقط سلاح را به افراد پایگاه برگردانید."

از مدت‌ها پیش که رژیم جنایت پیشه جمهوری اسلامی قصد دارد تا با حربه "سربازگیری اجباری" جوانان کردستان را به صلح جنگ ارتجاعی کشانده و نیروی آنان را وسیله رسیدن به اهداف ضدانقلابی آن نماید و سرورم شهرها و روستاهای کردستان شدیداً تحت فشار مزدوران قرار داشته‌اند با این وجود حرکات اعتراضی زخمیشان طی سه ماهه گذشته نشان می‌دهد که توده‌های انقلابی همچنان درگیر و در مقابل به این سیاست حاضر به عقب نشینی در مقابل مزدوران نبوده و نیستند.

* علیه تسلیم اجباری

در زمینه اجرای سیاست تسلیم اجباری در ماههای تیر، مرداد و شهریور علیرغم اینکه رژیم نیروی زیادی را در خدمت

این سیاست به کار گرفته بوده، متأسفانه توده‌های زخمیشان نیز با این سیاست از ابعاد وسیعی برخوردار بود. رژیم حتی در چندین روستا برای چندمین بار وادار به عقب نشینی گردید. در ادامه این روند اخبار اعتراضات توده‌های علیه تسلیم اجباری در سه ماهه مهر و آبان و آذر نمودهای روشنی از عقب نشینی رژیم را نشان می‌دهد.

زخمیشان نمی‌خواهند با تن دادن به تسلیم اجباری در خدمت رژیم باشند، بنابراین به هر شکل ممکن با این سیاست به مخالفت برمی‌خیزند.

یکی از شیوه‌های که بلاواسطه از سوی زخمیشان در مقابل به مزدوران بکار بسته می‌شود، اعتراضات دسته جمعی است. این اعتراضات به هر شکل وسیع یا محدود بیانگر وجود ریشه دار تمایلات ستیزه جویی در بین زخمیشان است.

"هیچوقت حاضر به چنین کاری نیستیم و صلح نمی‌شویم". این پاسخ قاطعانه اهالی روستای "قره یان" در منطقه "چم - شار" سفندج در ۲۲ دیماه گذشته بود. مزدوران علیه اهالی این روستا به زور و تهدید پناه بردند عناصر فرست طلب و شورای فرمایشی را وسیله قرار دادند، اما کساری از پیش نبرند و اهالی روستا مصممانه به مقاومت خود ادامه دادند.

رژیم در منطقه ارومیه از حربه دستگیری اهالی استفاده نمود تا زخمیشان روستاهای "بانسی" و "یراسب" را وادار به تسلیم سازد. زخمیشان مقاومت و اعتراض کردند و از پذیرش یک چنین خواستنی اجتناع ورزیدند، مزدوران به شکنجه و آزار توسل جستند، چندین نفر را مسموم کردند اما اهالی مصمم و استوار در مقابل آنان ایستادند. تهدید و ارباب مزدوران علیه اهالی روستاهای "آخ جوان" و "ارضی بلاغی" در منطقه بوکان کارگر نیافتاد. اهالی نه تنها بنا به خواست رژیم صلح نکردند، بلکه دست به اعتراض بر علیه آن نیز زدند.

اهالی روستای "ضامن آوا" در منطقه مقرر نیز تن به خواست رژیم ندادند و صلح نکردند. در منطقه پاته نیز روستاهای "بوئین یائین" و "گوسزلی" شاهد اعتراض اهالی علیه سیاست تسلیم اجباری بودند.

در منطقه "هموشار" که حاضر به تمکین در مقابل مزدوران نبودند روستای خود را تخلیه کرده و آواره روستاهای اطراف گردیدند.

زحمتکشان روستای "پلاهر بغه" گنده لان، "پیشکان"، "گانی"، "نویسه"، "کپره گویز"، "قاره سان"، "قشلاق"، "سید آباد" و "شیخ جهان" در اثر فشارهای مداوم مزدوران خانه و کاشانه خود را رها ساخته و به روستاهای اطراف پناه بردند. و در روستای "ضدان" و "گانی" - شیان" در منطقه اشوبه بعد از تهدیدات مزدوران منی بر اینکه "یا صلح شوید" یا "روستا را تخلیه کنید" و "اقتناع اهالی از هر دو خواست مزدوران دست یار شده و اهالی روستای "ضدان" را با زور اسلحه از روستا بیرون کرده و آنان را آواره ساختند.

همانطور که ملاحظه شد تسلیم اجباری که از صدمات پیشتر رژیم علیه جنبش انقلابی خلق کرد بکار بسته است در عمل با نتایج مطلوب رژیم روبرو نشده است. توده ها حاضر نیستند در خدمت سیاستهای ضد انقلابی رژیم، صلح باشند و مقابله با این سیاست بخشی از مبارزه روزمره توده ها را تشکیل می دهد.

در خاتمه:

همانطور که روند جنبش توده ای کردستان نشان می دهد، نیروهای سرکوبگر علی رغم گشتار بی حد و حصر و جنایت خود در کردستان، در زیر آتش پیشمرگان خلق کرد و امواج پرتلاطم مبارزات توده ای همه روزه با شکست و ناکامی با زهم بیشتری روبرو می گردند. لیکن بر اساس تجربیات جنبش های توده ای و بالاخص تجربیات خونبار جنبش انقلابی خلق کرد امروز آنچه که بعنوان یک نقطه ضعف جنبش کنونی به شمار می رود همانا فقدان یک تشکل انقلابی توده ایست که بعنوان سازمانگر و هدایت کننده مبارزه جاری بتواند حول شعارهای معین مبارزه توده ها را هماهنگ کرده و پیوستگی درونی جنبش را در زمینه عملی تحقق گردانند.



نگاهی به . . .

هستند و حاضر نیستند صلح شوند.

همچنین طی جلسه ای دیگر مزدوران رژیم از جمله فرماندار، اما جمعه، فرمانده سپاه پاسداران از ملاحای منطقه پیرانشهر می خواهند که تبلیغات خود را به نفع رژیم گسترش دهند. توده ها را از مبارزه پیشمرگان طایفه سازند، مردم را به تسلیم به نفع رژیم تشویق نمایند.

با تصای این تدابیر مزدوران رژیم موفق به پیشبرد سیاست های خود نمی شوند.

زحمتکشان روستای "سراو" و "گلجلی" در منطقه مهاباد در تاریخ ۲۱/۷/۶۴ پس از اعتراض ضدانه در مقابل پرورش مزدوران به این روستاها در ادامه حرکت خود به شهر سرجمه کرده و در مقابل ارگانهای دولتی سیاست های ارتجاعی رژیم را محکوم می کنند.

با در مواردی دیگر اعتراضات توده ای ضربه زد و خورد بسیار مزدوران گردیده و از جمله در تاریخ ۲۳ مهرماه کشته مزدوران جهت اجرای سیاست تسلیم اجباری قصد ورود به روستای "گنده لان" در منطقه گورک سقز داشتند، زنان دست به اعتراض زده و با سنگ و چوب خود روهای مزدوران را در هم می شکنند. قشایلا از طایفه مزدوران تیراندازی صورت می گیرد که ضربه به مجروح شدن یکی از زنان زحمتکش روستای "پیشکان" به محض اطلاع از حرکت مزدوران را وادار به عقب نشینی می کنند.

صلما" آنجا که مزدوران در مقابل اراده توده ها وادار به عقب نشینی می گردند، بر شدت و خشنگری خود می افزایند.

توده های زحمتکش تحت هیچ شرایط حاضر به تسلیم اجباری نیستند و در مقابل نیروهای سرکوبگر تن به مصالحه نمی دهند. حتی از خانه و کاشانه خود دست می کشند تا مزدوران را در اجرای سیاست خود ناکام گذارند.

در همین رابطه بعد از تهدیدات مزدوران برای تسلیم اجباری اهالی روستای "سرمستی"

حرکات فوق تنها گوشه ای از مجموعه اعتراضاتی است که زحمتکشان فی الفور به شکل عمومی و دسته جمعی در پیش می گیرند و غالباً موفق می گردند با توسل بدان رژیم را به عقب نشینی وادارند.

رژیم اما در مقابل، حربه های گوناگونی بکار می برد و فشارهای زیادی اعمال می کند.

دستگیری، با زور صلح کردن افراد، واداشتن اهالی به تخلیه روستا، تبلیغات عوام فریبانه توسط عوامل خود فرور و . . . از جمله این حربه ها هستند. با این وجود اعتراض زحمتکشان داضه بیشتری می گیرد.

در مهرماه مزدوران رژیم بعد از مدت ها تلاش در منطقه "هموشار" برای تسلیم اجباری و مقابله با اعتراض اهالی ۷۰ نفر از روستای "قوجه" را که از صلح شدن امتناع کرده بودند دستگیر نمودند.

طی یک یورش شبانه به روستای "وله ژیر" در منطقه سرهوان ۱۰ نفر از اهالی آن دستگیر شدند. در پرورش های شبانه ۱ نفر دیگر از همان روستا دستگیر گشتند و بزور ۷ نفر از آنها صلح شدند. چند نفر دیگر نیز در منطقه "واوه رود" تحت عنوان "مرباز پاسدار" تحت فشار صلح شدند.

تعدادی از اهالی روستای "وله ژیر" در منطقه سرهوان با زور رژیم صلح و به روستای "سیانا" برده شدند. افسران صلح شده که حاضر به یک جنبش کاری نبودند طی یک حرکت اعتراضی پایگاه مزدوران را ترک و دیگر حاضر نشدند برگردند.

اما رژیم وقتی فهمید رود در روی با توده های زحمتکش نتیجه ای نخواهد داد، تلاش کرد تا با تحت نفوذ قرار دادن اعضای شوراهای روستائی و از طریق آنان سیاست خود را پیش برد، در روز ۲۲/۸/۶۴ کلیه شوراهای روستائی منطقه پیرانشهر با فرا خوان فرماندار این شهر تجمع نمودند. مقامات مزدور رژیم از جمله امام جمعه، نماینده سپاه، فرماندار سرجمع کوشیدند تا با پاره سرقای اعضای شوراها را ترفیع کنند تا اهالی روستاها را به هر شیوه وادار به تسلیم نمایند. افزاء شوراها که بخوسی با روحیات توده ها آشنائی داشتند به مزدوران اعلام کردند: مردم مشغول کار و زندگی شان

اخبار جنبش توده‌ای



دی" گرد آیند، تا آنان بتوانند از این طریق به تبلیغ برای سرباز گیری بپردازند. اما روستائیان به این خواست مزدوران و قصاب نمی‌نهند و از اجرای آن راز می‌زنند. سرکوبگران که با این شیوه هیچ نتیجه‌ای نگرفته بودند، زحمتکشان را تهدید کردند که چنانچه طی مدت بیست و چهار ساعت جوانان را به سربازسرای گیری معرفی ننمایند، آنان را بعنوان سربازان فراری تحت تعقیب قرار می‌دهند. روستائیان در برابر این حرکت مزدوران، شدیداً دست به اعتراض زدند و شوراها را می‌آغازید، این ارگان‌های جاسوسی رژیم از ترس خشم و انتقام زحمتکشان، توانستند با سرکوبگران رژیم همکاری و همکاری داشته باشند.

بر اثر تیراندازی فرمانده مزدور مقتدر در پایگاه روستای "شکین" یکی از زحمتکشان روستایی به شدت زخمی می‌شود. اهالی روستا نسبت به این حرکت جنایتکارانه، شدیداً اعتراض می‌کنند و به این مزدور جانی حمله می‌برند. اما تعدادی از جانش‌های مزدور به داد او می‌رسند، و او را از چنگ انتقام روستائیان نجات می‌دهند.

در تاریخ بیست و چهارم آذر ماه، فرمانده عملیاتی رژیم در محله "سروآباد" به اتفاق فرمانده مزدور پایگاه روستای "هرسین" همراه با عده‌ای از عناصر مسلح و مزدور خود به روستای "هرسین" در بخش "زاوه رود" هجوم می‌برند و به قصد قریب و تحقیق توده‌ها، از آنان می‌خواهند تا یک جا گرد آیند و به سخنان آنان گوش فرا دهند. اما اهالی روستا، خواست مزدوران را با سکوت و بی‌اعتنایی پاسخ می‌دهند. سرکوبگران که متوجه بی‌اعتنایی اهالی می‌شوند، چند نفر از افراد من روستا را مورد ضرب و شتم قرار داده و آنان را با خود به پایگاه می‌برند. اهالی روستا نسبت به این عمل وحشیانه دست به اعتراض می‌زنند و تا آزاد شدن دستگیر شدگان به اعتراض خود ادامه می‌دهند.

اهالی زحمتکش روستاهای سروآباد، در مقابلۀ علیه مزدوران جنایتکار رژیم نمونه دیگری از اتحاد و یکپارچگی آفرینند و قدرت لایزال خود را بار دیگر به نمایش گذاشتند.

سرکوب و وحشیانه زحمتکشان

فدائیان و قصابان رژیم
در محله

جنبش انقلابی خلق کرد است!

میریوان

می‌شود، اما اعتراض اهالی موجب عقب‌نشینی مزدوران می‌گردد.

در تاریخ هفتم و یازدهم آذرماه، سرکوبگران رژیم با زور و فشار از مردم روستاهای "شیخه کهره" و "دری" خواستند تا برایشان چوب به پایگاه حمل کنند. زحمتکشان ضمن خود داری از هر آوردن خواست مزدوران، نسبت به آن اعتراض کردند و انجام آنرا به خود آنها واگذار نمودند.

همچنین در تاریخ چهاردهم آذرماه، گروه ضربت "سروآباد" به روستای "آلانه" یورش برده و چند نفر از اهالی را بازداشت کرده و با خود می‌برند. اهالی روستا نسبت به این حرکت ارتجاعی اعتراض کرده و مزدوران را وادار به آزاد کردن دستگیرشدگان می‌کنند.

در این اواخر نیز سرکوبگران رژیم، از طریق شوراها و اسلامیه روستاهای "عصر آباد"، "سهل سی"، "چاول"، "پیله" و "ره‌دهی"، "موکدا" اعلام کرده‌اند اهالی روستاهای فوق‌بایستی در روستای "وه‌هه" -

سرکوبگران مزدور طی یک حمله وحشیانه به روستای "نومار" در یکم آذرماه، چهار نفر از زحمتکشان این روستا را دستگیر نموده و همراه خود به شهر سریوان می‌برند. اهالی روستا نسبت به این حرکت مزدوران دست به اعتراض می‌زنند و خواستار آزادی دستگیرشدگان می‌شوند. مزدوران بعد از سه روز وادار به آزادی سه تن از دستگیرشدگان می‌گردند. روستائیان برای آزادی نفر چهارم به شهر سریوان می‌روند و بصر خواسته خود پای می‌فشارند، اما سرکوبگران در مقابل آزادی او از توده‌ها می‌خواهند تا علیه جنبش انقلابی و علیه پیروان شعار بدهند. زحمتکشان روستا در پاسخ مزدوران با قاطعیت می‌گویند اگر او را اعدام هم بکنند چنین کاری را نمی‌کنیم.

نهم آذرماه نیز روستای فوق‌مورد هجوم مزدوران واقع

☆ اخبار جنبش توده‌ای

به دنبال خیاره باران روستای دیولسوره توسط مزدوران سرکوبگر در تاریخ چهارم دیماه، آمکن صکونی روستائیان به شدت آسیب دید و خسارات فراوانی به اهالی این روستا وارد آمد. روستائیان زحمتکش که از دست جنایات متعدد رژیم جمهوری اسلامی جانشان به لب رسیدند، است، خشمگین نسبت به این عمل وحشیانه دست به اعتراض زدند. اهالی زحمتکش روستا، فریاد آن روز یعنی پنجم دیماه بطور دسته جمعی به طرف روستای "خیاره" که یکی از مراکز مهم نظامی رژیم در آن واقع است، راهپیمایی می کنند و متحداً به اعتراض بر می خیزند و روز ششم دیماه را نیز به حرکت اعتراض آمیز خود ادامه می دهند. خبر حرکت اعتراضی اهالی روستای "دیولسوره" به طرف روستای "خیاره" و پایگاه نظامی رژیم به سرعت در منطقه می پیچد و همچون طوفانی روستاهای منطقه را در بر می گیرد. زحمتکشان منطقه با احساس همدردی در قبال اهالی روستای "دیولسوره" و عمل انقلابی آنان، واکنش فعال نشان می دهند. بسیاری از اهالی روستاهایی "قاسبله"، "کساره لنگ"، "کوله"، "ونکه لان" و "گیلی گران" و همچنین عده ای از اهالی شهر سروان به پشتیبانی از حرکت انقلابی مردم روستای "دیولسوره" خود را به روستای "خیاره" می رسانند و با شرکت خود در این حرکت آنچنان اعتراض خجسته و یکپارچه و گسترده ای را شکل می دهند که پشت همه مزدوران با تمامی ساز و برگ نظامی شان به لرزه می افتد.

مزدوران در هراس از هرچه گسترده تر شدن این حرکت انقلابی، ضمن آنکه ترس و وحشت مرابهای وجودشان را فرا گرفته بود، با دستپاچی تمام به فکر چاره می افتند. نیکوایان مزدور که جرأت کمترین مقابله ای را با توده ها در خود نمی دیدند و از هرگونه تحریک سرکوبگرانه ای عاجز و ناتوان مانده بودند، به حیل و نیرنگ متوسل شدند. آنان در میان مردم شایعه پراکندند که روستای "دیولسوره" مورد حمله قرار گرفته و مزدوران در آنجا به

گشتار و سرکوب مشغولند. اهالی روستاها که این خبر را می شنوند برای کمک و همکاری به مردم روستای "دیولسوره" به طرف این روستا حرکت می کنند و بدین شکل تجمع آنان پراکنده می گردد.

سندج

چندی پیش افرادی که در روستای "میشتر" در بخش "کلا ترزان" تحت زور و اجبار صلح شده اند، دست به اعتراض زدند. مزدوران رژیم که صدیوانی به تلاش می کنند روستائیان را به زور سر نیزه به نفع خود به تسلیم وادارند، در اکثر موارد شکست و روبرو گشته اند، و اما در موارد بسیار محدودی که توانسته اند تحت شرایط زور و سرکوب تعدادی از روستائیان را به تسلیم وادارند، همواره تسلاتر نموده اند تا هرچه بیشتر از انرژی و نیروی آنان به نفع خود استفاده نموده و آنان را در چارچوب عمومی مقررات مورد نظم خود در آورند. در همین رابطه با تحت فشار قرار دادن این افراد در روستای فوق، از آنان خواستند تا بر ساعات نگهبانی شان بیفزایند و وقت بیشتری را بدان اختصاص دهند. اما روستائیان نیز که هیچگونه رغبتی به داشتن سلاح رژیم نداشته و ندارند و صرفاً تحت فشار مداوم و سرکوب و وحشیانه موقتا به چنین امری تن داده اند، زیر بار این خواست مزدوران نرفته و همراه با خانواده های خود به شهر مندج می روند و با تجمع در مقابل مقر واحد بسیج روستا دست به اعتراض می زنند و مزدوران را وادی دارند تا از خواست خود دست بکشند.

سندی پیش، اهالی روستای "دادانه کسانگر" ضمن صدور یک قطعنامه خواستار پایان یافتن درگیریهای میان حزب دمکرات و کوهله شده بودند. مزدوران که از این مسئله اطلاع یافتند، بودند و از آنجا که قطعنامه ایان درگیرها را به زیان خود می بینند به روستای فوق یورش می برند و آنان را تهدید به قطع کوشهای خواربار و سایل ضروری زندگی روزمره می نمایند. اما تهدیدات مزدوران بلا اثر مانده و اعتراض اهالی موجب عقب نشینی آنان می شود.

دو نفر از اهالی روستای

"رانیکر" پس از آنکه مورد ضرب و شتم سرکوبگران قرار می گیرند، به مرکز نظامی رژیم واقع در روستای "نگل" انتقال داده می شوند. روستائیان پس از اطلاع از این مسئله ضمن اعتراض بدو نفر را به عنوان نماینده به روستای "نگل" اعزام می دارند و موفق به آزاد نمودن دستگیرشدگان می گردند.

چندی پیش زنان و مردان روستای "گران پاتین" در منطقه "ساران" نیز مورد آزار و شکنجه گری های رژیم قرار گرفته و تعدادی از آنان با چشم های بسته به پایگاه سرکوبگران انتقال می یابند. روستائیان با برپا داشتن یک حرکت اعتراضی یک بارجه توانستند دستگیرشدگان را باز پس بگیرند، و اما فرمانده مزدور پایگاه روز بعد رفت و آمد اهالی را ممنوع اعلام کرد. روستائیان در اعتراض به این مسئله بطور دسته جمعی به شهر مندج می روند و با تجمع در مقابل فرمانداری و باشگاه افسران خواهان برچیده شدن پایگاه مزدوران از روستای خود می شوند.

همچنین در نیمه اول آذرماه، سرکوبگران رژیم طی یک حمله غافلگیرانه به روستای "کوله" در منطقه "سارال" شش نفر از جوانان روستا را دستگیر نموده و همراه خود می برند. دستگیرشدگان پس از چند روز متوقفی می گردند از چنگ مزدوران فرار کنند.

دیواندره

سرکوبگران رژیم جمهوری اسلامی، این جانباختن مزدور، با زهم دست به جنایت زدند و نمونه دیگری از دانات و سفاکی خود را به نمایش گذاشتند.

در تاریخ بیست و چهارم آذرماه، سرکوبگران مزدور با دوازده خود را از نیروهای خود به روستای "قوچاخ" در منطقه "هه وه تو" یورش برده و خانه یکی از بارزین خلق کرد بنام کاک جلال را در این روستا به محاصره درآوردند. مزدوران سپس با ضرب و شتم افراد خانواده، سراغ کاک جلال را می گیرند و چون پاسخ مثبتی دریافت نمی کنند در کمال وقاحت و وحشیگری طبایعی را دور کردن همرا کاک جلال حلقه نموده و ضمن تهدید او به سرک سراغ شوهرش را می گیرند، ولی از این کار هم سودی عایدشان نمی شود.



اخبار جنبش نو ده ای

سرانجام و پس از تفتیش خانه او را می یابند و در همانجا بطور وحشیانه و خشونت آمیزی بضهادت می رسانند و اموال نابردیده را نیز به غارت می برند.

زحمتکشان منطقه ضمن برپا داشتن مراسمی به مناسبت شهادت او، نسبت به این عمل در مظان اعتراض می کنند و چند روز بعد صدها تن از اهالی منطقه "مه وه تو" و "تیله کو" و همچنین اهالی روستاهای "کوسه سی"، "می نمایان"، "قوچان"، "کائی شیرین"، "سیری یائین" و "مران یائین" و چند روستای دیگر منطقه، به شهر دیواندره می روند و با تجمع در مقابل بخشداری و مققر سیاه پاسداران این شهر، طی سه روز ضوالی یعنی روزهای دوازده تا چهاردهم دیماه، این عمل فاشیستی جنایتکاران را محکوم نمود و خواستار مجازات عاظین آن می شوند. آنان همچنین خواستار برگرداندن اموالی که توسط مزدوران به غارت برده شده است می کردند.

سفر

در تاریخ بیست و چهارم آذرماه، عده ای از سرکوبگران شهر بانه به روستای "هه رمی دوول" در منطقه سرشیو سقز به سر می برند و با همکاری مزدوران مستقر در این روستا، یک نفر از اهالی روستا را بازداشت می کنند. این عمل مزدوران مورد اعتراض اهالی واقع می شود و مردم خواستار آزادی می می گردند. مزدوران سرکوبگر با تیراندازی و زخمی کردن افراد مهمی در پراکندن اهالی می کنند، اما زحمتکشان تا آزادی فرد دستگیر شده به اعتراض خود ادامه می دهند.

همچنین سرکوبگران رژیم در تاریخ اول دیماه، روستای "شیبانه جو" در منطقه سرشیو سقز را مورد حمله قرار داده و ضمن اعمال سرکوب تعداد زیادی از اهالی را بازداشت می کنند و از بازجویی از آنان چهار نفر

دزدان جنایتکار به روستا، راه را بر آنها می بندند و به آنان ایست می دهند. مزدوران که غافلگیر شده بودند، به صد فریب روستائیان، بیشرمانه خود را پیشمرگه مصرفی می کنند. اما مردم که آنان را شناخته بودند، فریب نخورده و با اسلحه شکاری به سوشان شلیک می کنند. سرکوبگران دزد و جنایتکار که اوضاع را وخیم می بینند، برای نجات جان خود و با هدف ترساندن اهالی طرح می کنند که گروه ضربت هستند. اما روستائیان همانند به تیراندازی علیه آنان ادامه داده و مانع ورودیشان به روستا می گردند و آنان را مجبور به عقب نشینی می کنند.

روز بعد، چند خود رو پیر از مزدوران رنگارنگ رژیم به روستای فوق حمله می برند، و با اعمال خشونت و سرکوب نسبت به اهالی، شش نفر از آنان را بازداشت کرده، اسلحه آنان را سرگیرند و این زحمتکشان را با خود برده و زندانی می کنند. اما اهالی زحمتکش روستا در قبال این حرکت ارتجاعی دست به اعتراض می زنند و خواستار آزادی دستگیر شدگان می شوند، و انقدر بر خواست خود پای می فشارند تا دستگیر شدگان بالاخره آزاد می گردند.

همچنین در تاریخ سوم دیماه یکی از سرسپردگان رژیم بنام صلاح عبدالله صوری که در خیانت و خود فروشی شهرت فراوانی دارد، از طرف شورای روحانیت شهر بانه، به اتفاق حاجی زاده یکی دیگر از مزدوران از طرف چهار سازندگی این شهر، در جلسه ای به همراه ملاها و شوراهای روستاهای منطقه بانه مذبحخانه تلاش کردند تا به تحمیل و فریب اهالی پرداخته و برای جبهه های جنگ ارتجاعی ایران و عراق تأمین نیرو کنند. مزدوران در این جلسه از شوراها خواستند تا توده ها را به ترغیب و تشویق وادارند و از آنان بخواهند که فرزندانشان را به سرسبازی بفرستند. مزدوران جنایتکار که برای دست یابی به اهداف ارتجاعی رژیم به هرگونه حیل و

را زندانی کرده و بقیه را آزاد می کنند. اهالی روستا نسبت به این حرکت اعتراض کرده و خواستار آزادی دستگیرشدگان می گردند و دو نفر را به عنوان نماینده به پایگاه می فرستند تا این خواست را به مزدوران ابلاغ کنند. اما مزدوران دونپینه راه با چشم بسته به درون پایگاه هدایت می کنند، و در همان حال افراد دستگیر شده را به شهر بانه انتقال می دهند.

ربط

در تاریخ بیستم آذرماه، سرکوبگران مستقر در پایگاه "شده موله" به طرف یک نفر از اهالی زحمتکش این روستا تیراندازی کرده و او را به شدت زخمی می کنند.

همچنین تعدادی از جاشرهای مزدور منطقه "مرگور" ارومیه، با هدف جنایت و سرکوب توده ها و خورن خدمتی برای رژیم به منطقه ربط می روند. مزدوران خود فروخته در شب ششم دیماه با حمله وحشیانه به روستای "وسوگول"، به داخل خانه ها ریخته و با زور اسلحه سیاکشی خانه ها را بیرون می آورند و به تفتیش خانه ها می پردازند. مزدوران ضمن این خانه گردی در حالیکه جویای اسلحه می شوند، به دزدی و غارت اموال روستائیان می پردازند و هر چه دم دست شان می آید چپاول می کنند. این عمل وحشیانه مزدوران مورد اعتراض زحمتکشان روستا قرار می گیرد و هرچند که مزدوران در قبال این اعتراض بر شدت فشار و سرکوب خود می افزایند، اما روستائیان همچنان به اعتراضات خود ادامه می دهند.

بانه

ساعت نه شب سوم دیماه، عده ای از جاشرهای خودفروش گروه ضربت بانه، به منظور اخاذی و غارت اموال روستائیان به روستای "کریم آباد" واقع در سه کیلومتری شهر بانه می روند. از آنجا که روستائیان از این موضوع اطلاع یافته بودند، قبل از ورود این

☆ اخبار جنبش توده‌ای

نیرنگی متوسل می‌شوند، از حلقه مطرح نمودند جوانانسی که به مبارزی بروند، پس از جبهه با هزینه دولت برای زیارت مرقد امام رضا به مشهد اعزام می‌شوند. اما توده‌های انقلابی خلق کرد آگاه‌تر از آنند که فریب چنین شیادی‌هایی را بخورند، از این ترفند مزدوران نیز سودی برای رژیم دربر نداشته است.

هچنین نیمه شب صی ام آزماه، یکی از جاشر های خود فروخته منطقه، بنام کریم کچل، بهسراه دارو دسته خسور تحت عنوان پیشمرکه به روستای "زروا پائین" یورش می‌برند، و اهالی را از خانه‌ها یا زور بیرون می‌کنند و از آنان پول می‌گیرند. زحمتکاران روستا که از رفتار و اعمال جنایتکارانه آنان به ماهیتشان پی برده‌اند، یکبارجه علیه آنان به مقاومت برخاسته و اعلام می‌دارند که پیشمرکه هیچوقت چنین کارهایی را نمی‌کند و این اعمال تنها و تنها از شیط جاشرهای خود فروخته بر می‌زند. مزدوران که اوضاع را به ضرر خود می‌بینند، فرار را بر قرار ترجیح داده و فورا روستا را ترک می‌کنند.

مزدوران و خائنین که برای ضربه زدن به پیشمرگان و بدنام کردن آنان از هر فرموسی استفاده می‌کنند، تحت عنوان پیشمرکه دست به هر عمل جنایتکارانه می‌زنند، به انواع و اقسام حرکات ارتجاعی علیه توده‌ها متوسل می‌شوند، تا به خیال خود نظر توده‌ها را از نیروی پیشمرکه برگردانده، وحایت آنها را از پیشمرکه متوقف نمایند. این مرتجعین جاهل، غافل از آنند که توده‌ها فرزندان خود راهبروی پیشمرکه را، مدت‌ها است که می‌شناسند. در همین رابطه در تاریخ ۱۷/۱۰/۶۴ دو مورد صلح در راه "کوخ جلی" که در فاصله یک کیلومتری پایگاه "تاوه بان" قرار دارد، جلوس گرد گامبی را می‌گیرند و با زور و تهدید مبلغ پانزده هزار تومان پول از او می‌گیرند. آنها بعد از اخاذی، خود را پیشمرکه معرفی می‌کنند.

چندی پیش، شخصی بنام حاج

عبدالله فرجی، بهسراه چهار نفر دیگر از اهالی روستاهای "موج" و "چروش" به بهانه نیابت نامی با یکی از پیشمرگان کوه له، توسط سرکسگران جمهوری اسلامی دستگیر شده و مورد ضرب و شتم آنان واقع می‌گردند. مزدوران پس از انتقال این افراد به مرکز "آرموده" و روشن شدن هویتشان، و اینکه آنان کشاورز و اهالی روستا هستند، آنها را آزاد می‌کنند. بدنبال آزاد شدن این افراد، اختلافات میان پایگاههای داخل روستای "تاوه بان" و پایگاه دیگری که پشت این آبادی واقع است، شدت یافته و منجر به درگیری میان آنان می‌شود. دو پایگاه درگیر به جان هم می‌افتند و از کلبه سلاح‌های خود علیه یکدیگر استفاده نموده و با شدت به مدت دو ساعت به کوبیدن یکدیگر ادامه می‌دهند. در اثر این درگیری حداقل دو نفر از مزدوران پایگاه داخل روستای "تاوه بان" به شدت زخمی می‌شوند.

حقاتب این درگیریها گروه ضروت شهر بانه، به پایگاه "تاوه بان" و به دیگر پایگاههای اطراف سرکشی می‌کنند و فرمانده پایگاه پشت روستای "تاوه بان" را دستگیر نموده و همسراه خود به شهر می‌برند. فرمانده مزدور فسوق پس از مدت کوتاهی آزاد گشته و به محل کار خود بر می‌گردد. این مزدور پس از آنکه دوباره در همان پست سابق خود ابقا می‌شود، بر شدت سرکوب توده‌ها و اعمال وحشیگری و خشنونت نسبت به مردم زحمتکش منطقه می‌افزاید.

هچنین مدتی پیش، درگیری مشابهی میان پایگاهها "نیمه" در همین منطقه، ایجاد شده است. این درگیری‌ها که نشانگر رشد تضادهای درونی رژیم و اختلافات میان عصاب رژیم است، در عین حال مبین گعجی و سردرگمی و خصوصا ناتوانی آنان در مقابله با جنبش توده‌ای و انقلابی خلق کرد می‌باشد.

اخیرا "داوه نارزانیسی" در صفوف مزدوران رژیم شدت گرفته و به اشکال مختلف امکان بروز یافته است. درگیری میان خود مزدوران، پاسداران و ارتشیان، کوبیدن پایگاه‌های رژیم توسط یکدیگر، کشته شدن سربازان به دست فرماندهان و بالاخره خودکشی از جمله اشکال انعکاسی چنین جو نارزانیسی و فضایی

نامناسب برای کلیت مزدوران رژیم در کردستان است. این چنین جو نارزانیسی در میان مزدوران، که از سؤی بازتاب مشکلات ناشی از ماندن در کردستان و عملکرد ضد انقلابی فرماندهان مزدور، نظم بورژوازی پیچیده و فضای حاکم بر اینگونه ارگان‌هاست، از سوی دیگر بیانگر ورشکستگی و زونی مزدوران در قبال جنبش رشد یابنده انقلابی خلق کرد می‌باشد، انعکاس خود را در حوادثی نظیر نمونه زیر آشکار می‌سازد.

در تاریخ چهارم دی ماه، یک نفر از سربازان پایگاه پشت آبادی "تاوه بان" که چند بار تقاضای مرخصی کرده بود و همراه با مخالفت فرماندهان مزدور خود روستا گشته بود، هنگام صبح موقع رفتن به تأمین نزدیک پایگاه، گلوله‌ای به منز خود شلیک نمود و به زندگی خود خاتمه می‌دهد. روحیه ضعیف اکثر سربازان مستقر در این پایگاه، بعد از این حادثه، باز هم ضعیف‌تر شده است.

بدنبال تخریب تمسداد زیادی از روستاهای مناطق مختلف کردستان توسط مزدوران رژیم سرکسگران جمهوری اسلامی، بسیاری از روستاهای منطقه بانه نیز مورد تهدید واقع گشته، و اخطارهای تخلیه گرفته‌اند. مرتجعین طی یکماه گذشته نیز بر سیاست ارتجاعی تخلیه اجباری و تخریب روستاها، هچنان پافشاری نموده‌اند و در پی این هدف بوده‌اند. سیاست جنایتکارانه خود را به اقصی نقاط کردستان و خصوصا مناطق مرزی تعمیم بخشیده‌اند. بعد از تخریب و پنا تهدید به تخلیه بسیاری از روستاهای مناطق مهاباد، سرشو سقز، اشنویه، نقده، بوکان و... مناطق بانه نیز در معرض اعمال چنین سیاستی قرار گرفته است.

چندی پیش، مزدوران متشکل در ارگان‌های حکومتی، خصوصا سپاه پاسداران منطقه، از طریق فراخوان شوراها و آخوندهای روستاها، بر تخلیه مناطق "خله رش"، "چهارنگ" و بخشی از روستاها و کوخ‌های "آرموده" تأکید ورزیده‌اند. سرکسگران هچنین با پخش اعلامیه در شهر بانه و تسوابع آن، برای تخلیه روستاهای مناطق مذکور، که عموما مناطق مرزی بوده و هچنین مناطق نسبتا امنی برای پیشمرگان محسوب می‌شود، ضرب‌العجل تعیین نموده و به اهالی این

☆ اخبار جنبش توده‌ای

سردشت

اخیراً تعدادی از جاشهای خودفرخته منطقه شمال کردستان به منطقه سردشت و ربط انتقال داده شده اند، تا به اعمال سرکوب نسبت به مردم منطقه بپردازند. ضمن آنکه پایگاه های جدیدی برای این مزدوران تأسیس شده است، تعدادی از آنان نیز بین روستاهای مختلف تقسیم شده اند و در مواردی با زور در خانه های مردم سکنی گزیده اند.

پیرانشهر

در تاریخ هجدهم آذر ماه، پاسداران سرکوبگر به همراهی تعدادی از جاشهای خودفرشته در فاصله میان دو روستای "قوره خضر" و "توراله"، به چیمان زهمتکشی بر می خورند و در نهایت وحشیگری او را به باد کتک می گیرند. مزدوران جنایت پیشه که در اعمال جنایت و وحشیگری روی هم رفته سفاکان تاریخ را صفید کرده اند، این فرد روستائی را به داخل رودخانه می اندازند و برای آنکه حتماً او غرق شود، سنگ بزرگ و سنگینی را بر روی سینه او قرار می دهند و بدین شکل او را به شهادت می رسانند.

در تاریخ بیست و دوم آذر ماه، نیز روستاهای "برده قوره" و "گشت گمان" از سوی مزدوران مورد حمله واقع گشته و به محاصره در می آید. سرکوبگران بعد از محاصره روستاها و حشیانه به تیراندازی به سوی اهالی می پردازند به ارباب و وحشیگری دست می زنند و فردی بنام حسین را در روستای "دشت گمان" به داخل تنگور انداخته و او را می سوزانند.

همچنین در تاریخ ششم دیماه، روستاهای "کونه کچ"، "کرم دار"، "سیرت"، "گوده شنیان"، "طام هیه"، "شکرای" و "بازگان" در منطقه "نه لین" مورد حمله و حشیانه سرکوبگران قرار گرفته و اهالی این روستاها نیز مورد ضرب و زخم قرار می گیرند.

مهاباد

مزدوران سرکوبگر در تاریخ هفتم دیماه، روستای عیسی - کند در منطقه چوم مجیدخان را محاصره نموده و با اسلحه سنگین به شدت آنرا کوبیدند. در اثر این عمل جنایتکارانه، چند نفر زخمی شده و خسارات

بدنیال شدت یابی اختلافات میان دوسریاز با فرماندهان مزدورشان در منطقه "سوسینی" سردشت که ضجر به کشته شدن سربازان می شود، مزدوران رژیم در تاریخ بیست و دوم آذر ماه، در محلی بنام "کولکه رفته"، جلو سیمه نقلیه ای را که عازم روستاهای "قله رفته" و "پیران" بوده است می گیرند، چنان صافترین می افتند و با طرح اینکه دوسریاز فوق توسط پیشمرگان و یا مردم منطقه کشته شده اند، دو نفر از میافترین را که اهل روستای "پیران" بودند، در مقابل چشم بقیه تیرباران می کنند. دومین رابطه مزدوران جنایتکار روستای "پیران" را مورد هجوم و حشیانه خور قرار می دهند و ضمن ضرب و شتم اهالی یک نفر از روستائیان را از پشت بام به پائین پرت می کنند.

در تاریخ هفتم دی ماه، سرکوبگران مستقر در پایگاه "زیوه" به طرز وحشیانه ای به این روستا حمله می کنند. آنان ضمن تیراندازی های مکرر هوایی و ایچار جو رعب و وحشت، با هدفش هر چه تمام تر به سرکوب و ضرب و شتم اهالی می پردازند و به تخریب و از میان بردن ازوقه و وسائل خانواده های پیشمرگان می پردازند و دست آخر آنان را با زور سرنیزه و تیراندازی های بی دریغی به پایگاه می برند.

چهاردهم دیماه بر اثر انفجار مین مزدوران در محلی بنام "گشت سیاوان" یکی از اهالی زهمتکثر روستای "زیوه" بنام ابراهیم عباسی، جان خود را از دست می دهد.

همچنین در اواخر آذر ماه، دوسریاز در روستای "تورول" هنگام بازی، یک کلوله اسلحه کالیبر ۶۹ را پیدا کرده و آن را در آتش می اندازند، که پس از صدتی کلوله ضجر می شود دوسریاز به کشته و سه نفر دیگر را نیز زخمی می کند.

به دنبال یک سری عملیات قهرمانانه پیشمرگان در تاریخ بیست و یکم دیماه در روستای "میشه خیدر" تلفات و خسارات زیادی به مزدوران سرکوبگر وارد آمد. سرکوبگران مزدور، طبق معمول همیشگی خود، برای جبران لطافت وارده، به سرکوب و وحشیگری نسبت به روستائیان می پردازند.

ضاطق، تا اوایل بهار سال ۶۵ فرصت داده شده است تا روستاهای خود را تخلیه نمایند، در غیر این صورت این روستاها توسط مزدوران تخریب و یا به آتش کشیده خواهد شد. هم اکنون روستاهای "چومان"، "سرسوله"، "زله"، "برده رش"، "کیسور"، "مالتا"، "گلکه سور"، "ماله دون"، "گاسمو"، "انجینه بالا"، "انجینه پائین"، "گوره دار"، "سجده"، "چسروش"، "خرچک"، "دوسر"، "کانی ابراهیم"، "کوخ های آسیاب"، "تازه بان" و "کوخ های نیروان" که در منطقه "خله رش" و "آرمده" قرار دارند، و همچنین روستاهای "سارکبالا"، "پائیز آوا"، "گنده شین"، "رسکه"، "ویسک"، "ورچک" و "زک" از منطقه "چم سارک" و چندین روستای دیگر در معرض تخلیه و تخریب قرار دارند.

رژیم که همواره به شکل ضدبوحانه ای تلاش نموده است که عرصه زندگی را هر چه پیشتر بر توده های انقلابی خلق کرد و خصوصاً پیشمرگان قهرمان آن تنگ تر نماید، با ایجاب انواع و اقسام محدودیت ها و اعمال خشن ترین سرکوب ها، کوشیده است تا پیشمرگان را از توده های انقلابی جدا سازد، تا جنبش انقلابی را هر چه پیشتر در منگنه کنترل خود قرار دهد. مزدوران رژیم که از مقابله با توده ها و پیشمرگانی که امکان تحرک و مانور در روستاهای متعدد و پراکنده را دارند ناتوانند و همچنین از حمایت و پشتیبانی مردم این ضاطق بعنوان پشتوانه مهمی برای مبارزه انقلابی پیشمرگان و ادامه آن آگاهند، به خیال آنکه بتوانند از تحرک پیشمرگان بکاهند و امنیت پایگاههای خود را تأمین نمایند، بر آنند تا اهالی روستاهای فوق را مجتمع و متمرکز نمایند و آنان را در روستاهای بزرگ و یا شهرک هایی که خود بر آنها تسلط نسبی دارند، اسکان دهند.

اما به رغم همه این تهدیدات و سرکوبهای جنایتکارانه رژیم، بر طبق گزارش های رسیده، اهالی روستاهای فوق از روحیه خوبی برخوردارند و از هم کسوت خود را برای مقابله با مزدوران آماده نموده اند.

☆ اخبار جنبش توده‌ای

پالی فراوانی به اهالی وارد آمد. مزدوران همچنین با تیراندازی بر روی اهالی، یک نفر از آنان را به شهادت رساندند.

سرکوبگران که طی این اعمال وحشیانه، زبونی خود را از درگیری و مقابله روبروی بسا پیشمرگانی که در اطراف این روستا حضور داشتند، بسا نمایان گذاشتند. روز بعد نیز طی یک حمله وحشیانه بسا داخل روستا، به اعمال خشونت و سرکوب نسبت به اهالی می‌پردازند و عمارت زیادی را تخریب و کلاً غارت کرده و چهار نفر از روستاییان را بازداشت می‌کنند و با خود می‌برند.

در تاریخ یازدهم دیماه، تعدادی از جاش‌ها و پاسداران میاندواب، جهت ضربه زدن بسا نیروهای پیشمرگه به روستای "قره گلی" در منطقه "جوم مجیدخان" یورش می‌برند، و با رفتاری وحشیانه و خشونت آمیز نسبت به اهالی، بسا تقشیر خانه‌ها می‌پردازند. مزدوران چند ساعت در روستا می‌مانند تا بلکه نیروهای پیشمرگه را بدام اندازند، اما سرانجام این نتیجه بر می‌گردند.

بعد از ظهر همان روز، مزدوران

معدداً به روستای فوق حمله می‌برند، و از آنجا که از وجود پیشمرگه در روستا اطلاع یافته بودند، تقشیر و خانه‌گردی را از سر می‌گیرند و بالاخره خانه یک پیشمرگه را به محاصره خود در می‌آورند. مزدوران بسا تنگ تر نمودن حلقه محاصره، اعضای خانواده پیشمرگه را دستگیر نموده و با استفاده از آنها به عنوان بستر و سپر اعلام می‌کنند: "اگر تسلیم نشوی آنها را می‌کشیم." اما پیشمرگه قهرمان با هوشیاری تمام و یک حمله جسورانه دوتین از مزدوران را به هلاکت رسانده و اعضای خانواده خود را از چنگ مزدوران در می‌آورد. مزدوران برای به تسلیم واداشتن او، خانداش را به آتش می‌کشند و از اهالی روستا بعنوان سپر استفاده می‌کنند، اما هیچک از این دستاویزها فید واقع نمی‌گردد.

پیشمرگه قهرمان همچنان به مقاومت خود ادامه داده و پس از دو ساعت مبارزه دلاورانه، با شلیک آخرین گلوله در منفر خود به شهادت می‌رسد.

ارومیه

در تاریخ هفتم آذرماه، عده‌ای از جاش‌های مزدور در محلی به نام "گلی بی نار" سر راه صرمد را گرفته و با ناسام پیشمرگه از آنان اخاذی می‌کنند.

خواست ارتجاعی، مقاومت نموده و صدها نفر از آنان دست به اعتراضات گسترده‌ای می‌زنند و با برپا کردن تظاهرات علیه مزدوران، اقدام به دادن شعار می‌نمایند. جاش‌های مزدور و خود فروز، برای برانگیخته نمودن اعتراض کنندگان، وحشیانه به آنان حمله می‌برند و تعدادی را دستگیر می‌کنند. اما اهالی خشمگین روستا، با سنگ و چوب به جاش‌ها حمله ور می‌شوند، و مزدوران را به عقب‌نشینی وادار می‌نمایند.

چند روز بعد از این حرکت اعتراضی گسترده، سرکوبگران با نیروی زیادی به روستا یورش می‌برند، و طی یک سری اعمال خشونت‌آمیز و با اعمال زور و سرکوب و همچنین با تیراندازی و تیرنگ و ایجاد دوستگی در میان

اعتراضات توده‌ای علیه تسلیم اجباری

سنندج

چندی پیش سرکوبگران رژیم در یک حمله وحشیانه به روستای "شویشه" ضمن اعمال زور و تهدید نسبت به اهالی، از آنان می‌خواهند که به نفع رژیم تسلیم گردند. اهالی زحمتکش این روستا، در مقابل این

مزدوران غارتگر، در تقسیم و اخاذی شده با هم درگیری نمودند که یک نفر از آنان به قتل می‌رسد.

همچنین مزدوران غارتگر رژیم در تاریخ یازدهم آذرماه، بسا روستای "ناری" در منطقه "مرگور" یورش می‌برند و تحت عنوان پیشمرگه از اهالی روستا پول می‌گیرند. سپس پاسداران ارتجاع با کمال وقاحت و بیشرمی در بلندگوهای خود اعلام می‌کنند که پیشمرگان به روستای "ناری" رفته و از مردم به زور پول گرفته‌اند.

اورامان

منطقه اورامان همچنان زیر آتش توپ و خمپاره بی وقفه مزدوران رژیم است.

در تاریخ بیست و پنجم آذرماه، شهر نوسود توسط سرکوبگران جمهوری اسلامی به توپ و خمپاره بسته می‌شود، که طی آن خسارات زیادی به اماکن مسکونی شهر وارد می‌شود، و یک دختر بچه نیز به شدت زخم بر می‌دارد.

در تاریخ یازدهم و دوازدهم دیماه نیز، توپ و خمپاره باران این شهر از سر گرفته می‌شود. سرکوبگران طی این اعمال وحشیانه خود، خسارات مالی بجای بازهم بیشتری را بر اهالی این شهر وارد می‌آورند. در اثر این عمل ارتجاعی رژیم چند نفر زخمی و یک نفر به شهادت می‌رسد.

مردم موفق می‌شوند تعدادی از اهالی را موفقاً به تسلیم وادارند.

سقز

سرکوبگران رژیم جمهوری اسلامی، مدتی است اهالی روستای "مله" در منطقه خورخوره سقز را، به منظور تسلیم اجباری تحت فشار قرار داده‌اند. مزدوران روستائیان را تهدید کرده‌اند که چنانچه از تسلیم خود داری کنند، بایستی روستا را تخلیه نموده و به روستاهای اطراف منطقه که خود رژیم تسلیم کرده است کوچ کنند. در این باره تذکر است که در چنین روستاهای قبی، رژیم از پایگاه‌های

مردمان

و پناهگاههای اطراف روستا
میروند.



اخبار جنبش توده ای

اعتراضات توده ای علیه
مهاجرت اجباری

پیرانشهر

در تاریخ دهم دیماه، مزدوران سرکوبگر رژیم روستاهای منطقه پیرانشهر را به محاصره برآورده و با ایجاد جوی خفقتان آمیز در بسیاری از روستاها، وسیعاً دست به سرکوبگری می زنند. مزدوران افرادی را که من شان بین ۱۸ تا ۲۵ سال باشند، بدون کترین معطلی دستگیر نموده، و روانه مراکز سرکوب خود می کنند. در همین رابطه حدود هفتصد نفر از جوانان روستاهای خرابه، زنگیباری و جران تا کون دستگیر شده و به یارگانها اعزام گشته اند. بسیاری از جوانان روستاهای این منطقه، برای آنکه به جنگ مزدوران نفیستند، خانه های خود را ترک کرده و با وجود سرمای زمستان، آواره کوه ها شده اند.

برخوردار است و بر آن تسلط دارد. در برابر تهدیدات مزدوران زحمتکشان دست به اعتراض می زنند و اعلام می دارند که "نه صلح می شویم و نه روستا را تخلیه می کنیم، حتی اگر خانه هایمان را می رانند. حاضر به تخلیه روستا نیستیم".

مهاباد

در تاریخ دوازدهم دیماه، روستای دی بکر در منطقه منگور ۲ مهاباد، به منظور تسلیح اجباری، مورد هجوم وحشیانه تعدادی از جانش های منگور قرار می گیرد. این مزدوران ضمن اعمال خشنونت و وحشیگری نسبت به اهالی، از آنان می خواهند به نفع رژیم صلح شوند و فرزندان خود را به خدمت اجباری بفرستند.

جوانان روستائی، برای آنکه به جنگ مزدوران نفیستند، قبل از ورود جانش ها به روستا، به کوهها

چند خبر از

شهر سقز

مردتی پیکر مامورین شهرداری به همراهی سرکوبگران شهرستانی، به دستفروشان شهر سقز حمله برده و ضمن بهم ریختن و تخریب ویای قبل این زحمتکشان، آنان را روانه فرمانداری می کنند. زحمتکشان دستفروش که از شرط بیگاری، تورم افسارگسیخته و فشار گرانی، برای پیدا کردن لقمه ای نان بخور و نمیری به این کار روی آورده اند، به فرماندار مزدور می گویند: "در این وضعیت گرانی و قحطی مجبوریم دستفروشی کنیم تا برای خود و خانواده مان لقمه نانی پیدا کنیم و از گرسنگی نمیریم. اما فرماندار مزدور همچون دیگر عوامل رژیم که از هرفروشی برای پیشبرد اهداف و سیاست های ارتجاعی رژیم سود می جویند، در جواب آنها می گوید: "حق ندارید دستفروشی کنید، این دستور دولت است، اگر کسار می خواهید، بیاوید صلح شوید".

دستفروشان در جواب فرماندار مزدور ضمن اعتراض می گویند: "اگر وضعمان از این هم بدتر شود حاضر نیستیم به نفع رژیم اسلحه برداریم، سپس با اعتراض فرمانداری را ترک کرده و به سرکار خود برمی گردند.

در همین رابطه، در تاریخ چهاردهم دیماه، یک جانش خود فروش در جلو گاراژ تقی زاده در شهر سقز برای چند نفر از دستفروشان ایجاد مزاحمت نموده، و در کار و کاسب آنان اخلال می کنند. دستفروشان نسبت به این عمل جانش مزدور اعتراض نموده و در ادامه با او درگیر می شوند. جانش مذکور پس از آنکه شکست فزاینده تری را متحمل می شود، مجبور به فرار از محل می گردد.

لحظاتی بعد، یک دستفروش یامسداران سرمایه به منظور سرکوب و بازداشت نمودن دستفروشان، به محل می آیند. اما دستفروشان در مقابل مزدوران دست به مقاومت می زنند و از حمایت و پشتیبانی توده های که مردم بر تعدادشان افزوده

سرکوبگران مستقر در روستای "ماسیدر" واقع در منطقه سرشیو میروان، شبانهزدهم دیماه روستای فوق را مورد حمله قرار داده و با تانک - اسداز و تیربار ۳۰۰ آنرا به شدت می کیند. روز بعد زحمتکشان روستا به پایگاه مزدوران رفته و به این عمل وحشیانه اعتراض می کنند. مزدوران سرکوبگر که از خشم و کینه اهالی به هراس افتاده و از گسترش اعتراضات اهالی بیم دارند، ارتکاب این عمل وحشیانه را به پایگاه "چناره" نسبت می دهند. اهالی روستا ضمن آنکه دروغ مزدوران را باور نمی کنند، چند نفر ناپاییده به پایگاه روستای "چناره" اعزام می دارند. فرمانده مزدوران پایگاه قول می دهد که خسارات وارده به روستای "ماسیدر" را جبران نماید، اما زحمتکشان از آنجا که با وعده های فریبکارانه مزدوران آشنائی دارند، فریب وعده های او را نخورده و به اعتراضات خود ادامه داده اند.

می شود، برخوردار می گردند. مزدوران سرکوبگر، از ترس شکل گیری یک حرکت اعتراضی گسترده ناچار به ترک محل می شوند و به سوراخ های خود می خزند.

در تاریخ بیستم آذرماه، کلیه مستخدمین غیر رسمی مدارس روستاهای سقز که تعداد آنها به هشتاد نفر می رسد، اخراج می گردند. مستخدمین اخراجی که هر یک چندین سال سابقه کار دارند، در برابر این عمل رژیم دست به اعتراض می زنند و خواستار برگشت به سرکار خود می شوند.

در تاریخ ۱۷/۱۰/۶۴ یک خود رو آذنی سیاه یامسداران هنگام عبور از خیابان ساحلی شهر سقز نوجوان سیزده ساله ای را زیر گرفته و موجب مرگ او می شود. راننده مزدور پس از ارتکاب این جنایت، از ترس تجمع توده ها و خشم کینه اعتراضی اهلیز آنان، توقف نموده و به سرعت از محل دور می شود. اهالی محل نسبت به این عمل جنایتکارانه که بارها مبادر مشابه آن نیز اتفاق افتاده است، دست به اعتراض زده اند.

بمناسبت . . .

کشور امپریالیستی آمریکا را در یکبار دیگر این اصل مهم را که: هیچ قدرتی را یارای مقابله با نیروی متحد و متشکل توده های زحمتکش نیست به اثبات رساند. از همان آغاز، کارگران و زحمتکشان کوبا با شرکت فعال در امر انقلاب و پایه ریزی جامعه ای نو با ضابطه های نوین، نظام پوسیده سرمایه داری را مورد یورش قرار دادند. حمایت وسیع مادی و معنوی توده ها از برنامه های انقلابی دولت در دگرگون ساختن مناسبات استثمارگرانه حاکم بر جامعه یکی از دلایل اساسی پیروزی قاطعی انقلاب بود.

انقلاب استقلال، کار، ممکن و آزادی را برای توده ها به ارمغان آورد. از نظر سیاسی قدرت به دست توده های مردم بارهبری انقلابیون افتاد و توده ها حاکم بر سرنوشت خود شدند. در زمینه پیشبرد پیگیرانه مبارزه ضد امپریالیستی اقدامات زیر صورت گرفت:

اقتصاد تک محصولی کوبا که متکی به تولید نیشکر بود، با برنامه ریزی و برپایی احتیاجات توده ها و با پی ریزی صنایع مادر و اساسی به جای صنعت مونتاژ و وابسته دگرگون شد. از سرمایه داران و صاحبان صنایع بزرگ، خلع ید شد. کشت تک محصولی به کشت تنوع و متناسب با نیاز توده ها تغییر یافت. اصلاحات ارضی صورت گرفت و زمینهای آمریکائیان و وابستگان آنها مصادره و به زحمتکشان روستا واگذار گردید.

بدین ترتیب دست امپریالیستها - ی فارتگر و سرمایه داران بزرگ وابسته از اقتصاد کوبا کوتاه شد. با برنامه ریزی دقیق اقتصادی، در دهه اول انقلاب، نه تنها بیگاری یکی از جامعه ریشه کن شد بلکه کشور انقلابی کوبا با کمبود نیروی کار نیز مواجه گشت. نرخ اجاره مسکن از همان اول در حدی که توده های

زحمتکش به راحتی قادر به پرداخت آن بود، نزول یافت و به تدریج همه مردم کوبا از مسکن مناسب برخوردار گشتند. در زمینه مبارزه با بیسواری انقلاب کوبا دستاوردهای عظیمی برای مردم جهان به ارمغان آورد. آموزش در همه سطوح حتی دانشگاهی رایگان و همگانی شد. تمام امکانات درمانی و بهداشتی در دست دولت قرار گرفت و ارائه خدمات درمانی، بهداشتی و رفاهی کاملاً رایگان شد. یکی از دستاوردهای مهم انقلاب کوبا که در عین حال از عوامل موثر در پیروزی انقلاب نیز به شمار می آید تسلیح توده های کارگر و زحمتکش و ایجاد ارتش خلقی باشد.

نطفه های ارتش خلق، چند سال پیش از انقلاب شکل گرفت. در پیست و ششم ژوئیه ۱۹۵۳ انقلابیون کوبا تحت رهبری فیدل کاسترو و چه گوارا با تحلیل از شرایط انقلابی حاکم بر جامعه، با حمله به مونتکادا، حمله مسلحانه ای را از کوههای سیرا ماپسترا علیه رژیم باتیستا آغاز نمودند. مبارزه مسلحانه انقلابیون با حمایت کارگران و زحمتکشان رو به رشد و صفوف انقلابیون با شرکت زحمتکشان این کشور در مبارزه، هر روز فشرده تر و نیرومند تر گشت. سرانجام پس از فرار باتیستا، وقتی نیروهای ارتش انقلابی وارد هاوانا شدند، ارتش ارتجاعی باتیستا که طی جوارات بسی امان انقلابیون و توده های مردم نیرو و توان خود را از دست داده بود، بکلی از هم پاشید. بدین ترتیب زحمتکشان کوبا ارتش حافظ ضافع سرمایه داران و امپریالیسم را درهم شکستند و ارتشی را که در جریان انقلاب شکل گرفته بود جانشین آن ساختند.

پس از انقلاب برای دفاع از دستاوردهای انقلاب و برای درهم شکستن مقاومت سرمایه داران خنثی ساختن توطئه های امپریالیسم آمریکا و مزدوران آن و حفظ حکومت انقلابی کوبا، ایجاد ارتش نوین توده ای ضرورت یافت. ارتشی که رژیم باتیستا را سرنگون ساخته بود نه از نظر نیرو و نه از نظر کارائی نظامی به تنهایی قادر به پیشبرد اهداف انقلاب یعنی حفظ حاکمیت

انقلابی برای برقراری حاکمیت کارگران و زحمتکشان و سپهر استقرار سوسیالیسم نبود.

اولین ارتش انقلابی توده ای (میلیتیا) تنها ده ماه پس از انقلاب با شرکت صدها هزار تن از کارگران، دهقانان و روشنفکران زن و مرد کوبایی بوجود آمد، که همگی آنها ضمن فرا گرفتن فنون جنگی بیگاری صلاحیهای جدید را نیز آموختند.

افسران این ارتش انقلابی چریکهای بودند که طی چهار سال مبارزه مسلحانه در شهرها روستاها و کوهها آبدیده شده بودند. آنها دسته های از کارگران کشاورزی، کارگران صنعتی، دهقانان و تبعیدستان شهری بودند که در عطیات چریکی تجاری غنی یدیت آورده و از نظر نظامی کارائی های زیادی کسب کرده بودند. آری نخستین مدارس جنگ که توسط انقلاب کوبا ایجاد شده بودند نخستین افسران را پرورش داده بودند.

ارتش میلیتای انقلابی در تمامی مناطق و در محیط کار و زندگی زحمتکشان شکل می گرفت و توده های مردم تحت آموزش سازمان یافته نظامی به همراه آموزش سیاسی - ایدئولوژیک قرار می گرفتند. کارگران در کارخانه ها، کاردهای صلح کارگری تشکیل دادند. در روستاها میلیتای روستایی تشکیل شد و حفاظت از محصولات کشاورزان و مقابله با اقدامات خرابکارانه ضد انقلاب را به عهده گرفت. در سواحل کوبا، پلیشای ماهیگیران وظیفه داشتند که کشتیها و قایقهای دشمن را ردیابی کنند و با هوشیاری حرکات و نقل و انتقالات دشمن را زیر نظر بگیرند. در مدارس و دانشگاهها، دانش آموزان و دانشجویان دختر و پسر دسته های میلیتیا تشکیل دادند و به فراگیری فنون جنگی و کاربرد سلاح پرداختند.

به این ترتیب خلق کوبا متحد، متشکل و مسلح آمادگی لازم را برای مقابله با هر توطئه ضد انقلاب بدست آورد. سرکوب نیروهای مسلح دارو دسته باتیستا و عوامل زمینداران و سرمایه داران بزرگ در کوههای اسکامبرای

اماس اخضا ط در ساز ما س
نیرو های صلح انقلابی (ارتش کوبا)
بر سائترالیسم دمکراتیک استوار
بوده و اعمال می شود . اما
انتقاد و انتقاد از خود نیز بیست
جدیت تمام اجرا می شود . وجود
دو اصل فوق یعنی سائترالیسم
دموکراتیک و انتقاد و انتقاد
از خود کوچکترین لطمه از
اصل فرماندهی واحد در ارتش
خلق وارد نکرده است .

نیرو های صلح انقلابی
علاوه بر انجام وظیفه عمده یان
که دفاع از دست آوردهای انقلاب
و مقابله با هر نوع توطئه
امپریالیسم امریکاست در مبارزه
برای توسعه اقتصادی و تحکیم
ساختمان سوسیالیسم در طوسی
بیست و شش سال گذشته مجدانه
کوشش کرده اند . در یک کلام به
جرات میتوان گفت که نیرو های
صلح انقلابی کوبا ، یک ارتش
انقلابی مردمی است که افرادش در
به دوش خطه کارگر در بریکایی
و استحکام ساختمان سوسیالیسم
پیش می رود .

در بیست و هفتمین سالگرد
انقلاب کوبا یکبار دیگر ضمن
گرامیداشت دستاوردهای درخشان
آن از تجارب غنی انقلاب کوبا
در سازماندهی صلح توده های برای
پیشبرد انقلاب خود بیاوریم .

با اتکا به آمادگی رزمی
توده های مردم و همبستگی خلق
صلح با ارتش مردمی است که
طوسی بیست و شش سال حیات
انقلاب ، دولت کوبا توانسته است ضمن
خنثی ساختن کلیه توطئه های
امپریالیسم ، به حراست از انقلاب
خود بپردازد ، از مبارزات انقلابی
خلقهای نیکارگسوه ، سالها دور ،
کواتمالا و ... حمایت به عمل
آورد .

انقلاب کوبا ساخت سیاسی و
تدکیلاتی ارتشهای کلاسیک و بورژوازی
را زیر و رو ساخت امروز رزمی سیاسی
ایدئولوژیک مقدم بر آموزش نظامی
برای ارتقا آگاهی و تضمین موفقیت
عملیات نیرو های نظامی قرار
گرفت . موفقیت در هر دو زمینه
اجرای مأموریت و آموزش مستلزم
طالعه سیستماتیک مارکسیسم لنینیسم ،
شرکت در فعالیتهای روزمره توده ها
گذراندن کلاسهای درسی تاریخ
و سیاست ، آموزش و درک همکاری
سوسیالیستی و بالاخره کار مستقیم
با افراد می باشد .


خلق کرد پیروز است
جدول یک ماهه
عملیات پیشمرگان
خلق کرد

محمیت بیست و هفتمین سالگرد انقلاب کوبا

توسط دهقانان منطقه ، دفاع قاطع
دهقانان این منطقه از دولت
انقلابیستان و آمادگی رزمی
آنها را به نمایش گذاشت .

همچنین خلق قهرمان کوبا و
ملیشیای رزمده آن با عزیمتی
راشخ ، نقشه ارتجاعی سازمان سیا
صنی بر تجاوز نظامی به کوبا
از طریق خلیج خوکها را در همان
روزهای اول حمله با شکست روبرو
ساخت . طبق سازمان جاسوسی
سیا در سال ۱۹۶۰ با حمله
سازمان یافته هزار کوبایی مهاجر
با تجهیزات و پشتیبانی کامل
ارتش آمریکا به خلیج خوکها به
اجرا گذاشته شد . اما ملیشهای
انقلابی این تجاوز آشکار را
ظرف ۷۲ ساعت با دستگیری هزار
کوبایی مهاجر و ضبط تمام تجهیزات
و قایقهایشان خنثی ساخت و
پسوز ضاوحین را به خاک مالید .

این اولین شکست امپریالیسم
امریکا در قاره آمریکا بود . خلق
محد و صلح کوبا در عمل نشان
داد که چگونه طتی کوچک اما
محصم و متکمل قادر به مقابله
با ارتجاعی ترین و قوی ترین
نیروهای ضجاوز نیز می باشد .

غنائیم بدست آمده

۷۹	جنگ افزار انفرادی
-	انواع نارنجک
۳	سی سم
۱۹۰۸۰	انواع فنک
۹۳	خشب
۹	جنگ افزار سنگین و نیمه سنگین
۲۱	گلوله اسلحه سنگین و نیمه سنگین
۸	بسمستن فریب خوردگان

آمار این جدول عمدتاً از
اخبار رادیوهای حزب دمکرات
و کومه له برگرفته شده است .

تلفات دشمن

۱۶۵	کشته و زخمی
۱۶	اسرای دشمن
۱۲	خودرو ضهدم یا صادره شده
-	سلاحهای ضهدم شده
۳	مهمات ضهدم شده

۳ یک انبار در هها هزار فنک

جدول یک ماهه
عملیات پیشمرگان
خلق کرد

۲۷ آذر تا ۲۷ دی

عملیات پیشمرگه

۱۱	کمین و کنترل جاده
۴	مین گذاری
۱۷	مقابله در برابر یورش رژیم
۶	حمله به مراکز رژیم در شهرها
۱	خلع سلاح پایگاه
۴	صادر و انهدام تاسیسات
۲۱	حمله به پایگاهها
۶۴	جمع

۹	شهدای پیشمرگه
۱۴	شهدای اهالی بسی دفاع

سهرکه و توبی پروتته و هی شور شگیرانده ی گه لی کورد

زمینه های اقتصادی و اجتماعی به نفع توده ها انجام یافت. پس از سرنگونی حکومت باتیستا طبقه کارگر با تشکیل حزب انقلابی خود سر و نشان طبقاتی خود را هرچه بیشتر بر روستا انقلاب کوید و به آن تعمیق بخشید.

دو سال بعد از سرنگونی رژیم ارتجاعی باتیستا در سال ۱۹۶۱، نمایندگان شور موافق لیبرال از حکومت رانده شدند و تحت رهبری حزب طبقه کارگر پیرونی قطعی انقلاب اعلام شد و ایجاد ساختمان سوسیالیسم در دستور کار دولت انقلابی قرار گرفت.

انقلاب کوبا که در جوار در صفحه ۲۴

بمناسبت بیست و هفتمین سالگرد انقلاب کوبا

بدست گرفتند. ارکان ارتش ارتجاعی رژیم باتیستا که حافظ نظم و مناسبات سرمایه داری وابسته بود، درهم کوبیده شد و ارتش خلق به منظور دفاع از دستاوردهای انقلاب و منافع زحمتکشان کوبا تشکیل شد. علیرغم شرکت برخی نمایندگان بورژوازی لیبرال در حکومت از آنجا که قدرت واقعی در دست نمایندگان توده ها متمرکز شده بود، اقدامات اساسی در

بیست و هفتمین سالگرد انقلاب پیروزمند کارگران و زحمتکشان کوبا، صادق با اول ژانویه (دهم دیماه) می باشد. بیست و شش سال پیش اول ژانویه ۱۹۵۹، مبارزات چند ساله کارگران و زحمتکشان کوبا با سرنگونی حکومت دیکتاتوری و وابسته به آمریکای باتیستا به ثمر رسید و توده های مسلح تحت رهبری انقلابیون این کشور قدرت را

اخباری از جنبش توده های

رادیو
صدای فدائی
امواج کوتاه ریفهای ۶۵ و ۷۵ متر
ساعات ۸٫۵ بعد از ظهر
۱۲٫۵ روز بعد

خلق کرد پیروز است
جدول يك ماهه
علیات پیشمرگان
خلق کرد
در صفحه ۲۵

برای ایجاد شوراهای اسلامی در ایران

سرکوبگران رژیم جمهوری اسلامی، برای درهم شکستن روحیه مبارزه جوشی و اراده خلل ناپذیر توده های به پا خاسته، به هر دستاویزی جنگ می اندازند، تا به خیال خام خود با استفاده از این دستاویزها به اهداف ارتجاعی خود دست یابند و جنبش انقلابی خلق کرد را به شکست بکشانند.

رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی علاوه بر بکارگیری ارگان های رسمی سرکوب خود همچون سپاه و ارتش، همواره کوشیده است تا از دیگر اهرم ها و ابزار های ضابطی مثل نیروهای خود فروخته و خائن، طاهای روستاها، جابر ها و قشودال ها ... نیز سود جوید. این رژیم همیشه و همه وقت بر آن بوده است تا حتی المقدور با تکیه به موقعیت هایی در میان خود اهالی با تطمیع و تحمیق و یا ارباب و تهدیدستانان، حمایت و پشتیبانی شان را جلب نماید، تا از این طریق با استفاده از این امکان به پیشبرد سیاست های ارتجاعی خود ادامه دهد. تلاش های مذبحانه و عیث سرکوبگران برای ایجاد شوراهای

گراسی بلا خاطره فدائی شهید رفیق
چهارمین سالگرد شهادت رفیق سیروس قصیری
شمرکه آگاه فدائی و یکی از ارزنده ترین رفقای تشکلات سازمان در جنوب کردستان که در عطیات پیروز ضد کمین گذاری پیشمرگان فدائی، در ۲ کیلومتری فرودگاه صندج پس از ساعتها نبرد رویارویی، انهدام و محاصره چند دستگاه خود رو و شماری سلاح و مهمات و به هلاکت رسانیدن بیش از ۲۰ تن از مزدوران، در آخرین لحظات پایانی درگیری، امواج گلوله مزدوران جمهوری اسلامی قرار گرفت و خون سرخش زمین بارور کردستان را گگون ساخت،
خاطره اثر گراسی باد!

سیروس قصیری

